



پایه یازدهم

آزمون های شبیه ساز امتحانات نهایی ماز



شبیه ساز امتحان نهایی



دفترچه سؤال

یکشنبه ۲۱ تیرماه ۱۴۰۵

جامع کل کتاب

بودجه آزمون

ردیف	درس	تعداد صفحه	زمان پاسخگویی
۱	فارسی ۲	۴	۱۰۰ دقیقه

برای شباهت حداکثری به امتحانات نهایی، صفحه آرای، فونت و حتی اندازه متن در تمامی آزمون های تشریحی ماز، کاملاً یکسان با استاندارد امتحانات نهایی در نظر گرفته می شود.

سؤالات آزمون شبیه‌ساز نهایی درس: فارسی ۲		پایه: یازدهم	رشته: کلیه رشته‌ها	تاریخ آزمون: ۱۴۰۵/۰۴/۲۱
تعداد صفحه: ۴		مدت آزمون: ۱۰۰ دقیقه	ساعت شروع:	نام و نام خانوادگی:
آزمون شبیه‌ساز امتحان نهایی			گروه آموزشی ماز	
ردیف	سؤالات (پاسخ‌برگ دارد)			
نمره				
قلمرو زبانی (۷ نمره)				
۱	معنای واژه مشخص‌شده را بنویسید. الطاف الوهیت و حکمت ربوبیت، به سرّ ملائکه فرومی‌گفت: «إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ».			
۲	درستی یا نادرستی هریک از موارد زیر را مشخص کنید. (الف) واژه «سترگ» مترادف واژه «ژنده» در مصراع «چو غلتید در خاک آن ژنده فیل» است. (ب) واژه «محبوب» متضاد واژه «خنیده» در مصراع «هر روز <u>خنیده</u> نام‌تر گشت» است.			
۳	کدام گزینه جزء معانی واژه «نزه» در عبارت مقابل نیست؟ «آورده‌اند که در ناحیت کشمیر متصیّدی خوش و مرغزاری نزه بود». (الف) زیبا (ب) باصفا (ج) خوش‌آب‌وهوا (د) خرم			
۴	نادرستی‌های املایی را در عبارت‌های زیر بیابید و درست آن‌ها را بنویسید. (الف) دیری نگذشت پرچم روس‌ها در خاک آغشته به خون بی‌گناهان به احتراز درآمد. (ب) روزی یاران الهاح کردند و مرا به تفرّج بردند. (ج) قداره‌کش یعنی کسی که با توصلّ به زور، به مقاصد خود می‌رسد.			
۵	املای درست واژگان را از داخل کمانک انتخاب کنید. (الف) بانگ و هزاهز و غریو (خواست / خواست)، امیر برخاست. (ب) من نهایت بعد اختیار کردم که (غربت / قربت) را خطر بسیار است. (ج) هزاران سال ما برای پیدا کردن کله ماهی‌ها و نان مانده در میان قایق‌ها و (سخره‌ها / صخره‌ها) تلاش کرده‌ایم.			
۶	در کدام گزینه غلط املایی مشاهده می‌شود؟ (الف) صباحت و زیبایی (ب) طلبیس و مکر (ج) غزا و پیکار (د) قُلا و کمین			
۷	تعداد نادرستی‌های املایی در کدام گزینه متفاوت است؟ (الف) دل از غونیه برکند و عظم کرد که دیگر بدان شهر پرغوغا باز نیاید. (ب) خورد و بزرگ، در مراسم تشییع پیکر مولانا و خاک‌سپاری، حاضر شدند. (ج) ذهاب دیده‌گان بگشاد و بر رخسار جوی‌ها براند.			
۸	در مصراع اول شعر زیر، نوع رابطه معنایی بین کلمات را بنویسید. «کرم ورزد آن سر که مغزی در اوست که دون همتانند بی‌مغز و پوست»			
۹	نقش ضمیر متصل در کدام گزینه متفاوت است؟ (الف) در خواب دوش پیری در کوی عشق دیدم (ب) که مارانت را مغز فرزند من (ج) اگر فکر و حواسم این جهانی است (د) با دست اشارتم کرد که عزم سوی ما کن همی‌داد باید ز هر انجمن بهره‌ای والا تر از بهر من نیست			
۱۰	در عبارت «ای بوالفضل، تو را امیر می‌بخواند»، فعل جمله معلوم را به فعل مجهول تبدیل کنید.			
۱۱	در کدام یک از گزینه‌های زیر واژه‌ای با ساختار صفت نسبی یافت نمی‌شود ؟ (الف) پیش‌بند چرمین او که بر نیزه کرد. (ب) از آن‌ها که خونین سفر کرده‌اند. (ج) سلاح‌های پیشرفته جنگی، ترتیب دادند. (د) هر شب دو مرد را از کهتران یا مهترزادگان به دیوان او می‌برند.			
۱۲	در بیت «چنان بُد که ضحاک را روز و شب / به نام فریدون گشادی دو لب» زمان دقیق فعل «گشادی» در کدام گزینه آمده است؟ (الف) ماضی ساده (ب) ماضی استمراری (ج) ماضی نقلی (د) ماضی بعید			
صفحه ۱ از ۴				

سؤالات آزمون شبیه ساز نهایی درس: فارسی ۲		پایه: یازدهم		رشته: کلیه رشته ها		تاریخ آزمون: ۱۴۰۵/۰۴/۲۱			
تعداد صفحه: ۴		مدت آزمون: ۱۰۰ دقیقه		ساعت شروع:		نام و نام خانوادگی:			
آزمون شبیه ساز امتحان نهایی				گروه آموزشی ماز					
ردیف		سؤالات (پاسخ برگ دارد)						نمره	
۱۳		جدول زیر را کامل کنید.						۰/۵	
		فعل		صفت فاعلی		صفت مفعولی			
		شست		الف		ب			
۱۴		با توجه به مصراع اول ابیات زیر، براساس شیوه بلاغی، در کدام گزینه جای «نهاد» تغییر کرده است؟ الف) پرورده عشق شد سرشتم ب) گرچه ز شراب عشق مستم ج) دریاب که مبتلای عشقم جز عشق مباد سرنوشت عاشق تر از این کنم که هستم آزاد کن از بلای عشقم						۰/۲۵	
۱۵		کدام واژه در عبارت «مادر فریدون، فرانک، پسر را به البرز کوه می برد و به دست مردی پاک دین می سپرد.» نقش تبعی «بدل» دارد؟						۰/۲۵	
۱۶		در کدام یک از مصراع های زیر جمله مرکب دیده می شود؟ الف) همی رفت پیش اندرون مرد گرد ب) یکی بی زیان مرد آهنگرم ج) شگفت آمدش کان سخن ها شنید د) یکی محضر اکنون بیاید نوشت						۰/۲۵	
۱۷		درستی یا نادرستی عبارات زیر را مشخص کنید. الف) در عبارت «برای من قصه های شیرینی می گفت که او و مادرم، هر دو، آن ها را از مادر بزرگشان به یاد داشتند» تعداد ترکیب های وصفی و اضافی برابر است. (درست / نادرست) ب) در عبارت «بهاء ولد از آنجا که دیار روم از تاخت و تاز سپاه مغول برکنار بود و پادشاهی دانا و صاحب بصیرت و عالم پرور و محیطی آرام و آزاد داشت، بدان نواحی هجرت گزید.» کلمه «محیط» معطوف به «عالم پرور» است. (درست / نادرست) ج) در عبارت «تمی دانم چه بگویم. مات و مبهوت عینک کذا به چشمم است و خیره خیره معلم را نگاه می کنم. این بار سخت از جا در رفت» نقش دستوری «کذا» با «این» یکسان است. (درست / نادرست)						۰/۷۵	
۱۸		در عبارت «کبوتران فرمان وی بکردند و دام برکنندند و سر خویش گرفت» کدام بخش از فعل جمله سوم حذف شده است؟						۰/۲۵	
۱۹		در مصراع زیر، زمان فعل مشخص شده را بنویسید. ز هر کشوری مهتران را <u>بخواست</u> که در پادشاهی کند پشت راست						۰/۲۵	
۲۰		از لحاظ وضعیت های چهارگانه واژگان، کدام واژه مانند واژه «سپر» است؟ الف) رکاب ب) شوخ ج) فتراک د) شادی						۰/۲۵	
قلمرو ادبی (۵ نمره)									
۲۱		شاعران در سرودن منظومه های داستانی، غالباً از قالب «مثنوی» بهره می گیرند. مهم ترین دلیل آن را بنویسید.						۰/۲۵	
۲۲		بیت زیر متعلق به کدام یک از زمینه های حماسی است؟ همی رفت پیش اندرون مرد گرد الف) خرق عادت ب) قهرمانی ج) سپاهی بر او انجمن شد، نه خرد د) داستانی						۰/۲۵	
۲۳		با توجه به بیت زیر به پرسش ها پاسخ دهید: «درفشان لاله در وی چون چراغی الف) «حسن تعلیل» به کاررفته در بیت زیر را به صورت کوتاه توضیح دهید. ب) کدام واژه در بیت در حکم شبهه است؟ ولیک از دود او بر جاننش داغی»						۰/۵	
۲۴		در بیت زیر، واژه های قافیه سبب خلق کدام آرایه ادبی شده اند؟ زنخدان فروبرد چندی به جیب که بخشنده روزی فرستد ز غیب						۰/۲۵	
صفحه ۲ از ۴									

سؤالات آزمون شبیه‌ساز نهایی درس: فارسی ۲		پایه: یازدهم		رشته: کلیه رشته‌ها		تاریخ آزمون: ۱۴۰۵/۰۴/۲۱			
تعداد صفحه: ۴		مدت آزمون: ۱۰۰ دقیقه		ساعت شروع:		نام و نام خانوادگی:			
آزمون شبیه‌ساز امتحان نهایی				گروه آموزشی ماز					
ردیف		سؤالات (پاسخ‌برگ دارد)						نمره	
۲۵		در کدام گزینه هر دو آرایه «تلمیح» و «مجاز» به‌کاررفته است؟ الف) چنان سعی کن کز تو ماند چو شیر نه خود را بیفکن که دستم بگیر ب) بخور تا توانی به بازوی خوش که سعیت بود در ترازوی خویش						۰/۲۵	
۲۶		در جمله «گریه کنی اگر / که آفتاب را ندیده‌ای / ستاره‌ها را هم / نمی‌بینی»، یک استعاره (نماد) بیابید.						۰/۲۵	
۲۷		در جدول زیر برای هریک از موارد ستون «الف» یک آرایه مناسب از ستون «ب» انتخاب کنید. (یک مورد در ستون «ب» اضافی است).						۱	
		الف			ب				
		الف	فلک باخت از سهم آن جنگ، رنگ / بود سهمگین جنگ شیر و پلنگ	۱	ایهام				
		ب	چه جانانه چرخ جنون می‌زنند / دف عشق با دست خون می‌زنند	۲	مجاز				
		ج	ای حقیقی‌ترین مجاز، ای عشق! / ای همه استعاره‌ها با تو	۳	جناس				
		د	از آن چرم کاهنگران پشت پای / بپوشند هنگام زخم درای	۴	متناقض‌نما				
					۵	حس آمیزی			
۲۸		در عبارت زیر «مجاز» را نشان دهید. «چهره‌هایی که از خبر حمله روس در هم رفته بود، با تماشای شکوه سپاه، شکفته می‌شد.»						۰/۲۵	
۲۹		کدام یک از افراد زیر جزء معروف‌ترین چهارپاره‌سرایان ادبیات فارسی نیست؟ الف) ملک‌الشعراء بهار ب) فریدون مشیری ج) فریدون توللی د) حمید سبزواری						۰/۲۵	
۳۰		پدیدآورنده هریک از آثار زیر را بنویسید. الف) تحفة الاحرار: ب) زندگانی جلال‌الدین محمد، مشهور به مولوی: ج) میثاق دوستی:						۰/۷۵	
۳۱		کدام مصرع برای کامل‌نمودن بیت زیر صحیح است؟ صبح بی‌تو رنگ بعد از ظهر یک آدینه دارد الف) عشق اما کی خبر از شنبه و آدینه دارد ب) بی‌تو حتی مهربانی حالتی از کینه دارد						۰/۲۵	
۳۲		کدام یک از ابیات زیر به صورت نادرست آمده است؟ الف) جُغد، بر ویرانه می‌خواند به انکار تو اما ب) یادم آمد، خواستم از رنجش دوری بگویم ج) در هوای عاشقان پر می‌کشد با بی‌قراری خاک این ویرانه‌ها، بویی از آن گنجینه دارد عشق با آزار، خویشاوندی دیرینه دارد آن کبوتر چاهی زخمی که او در سینه دارد						۰/۲۵	
۳۳		مرتب‌شده مصرع اول بیت «.....» / به یزدان که بدتر ز اهریمن است» را بنویسید. بدی - دشمن - کز - کسی - است - میهن						۰/۲۵	
۳۴		مصرع دوم بیت زیر را به صورت صحیح تکمیل کنید. منم پور ایران و نام‌آورم						۰/۲۵	
قلمرو فکری (۸ نمره)									
الف) درک مطلب ۴ نمره									
۳۵		ویژگی مشترک قاضی بست و گوینده بیت «به حشرم بده نامه در دست راست / ز هولم در آن روز بی‌باک کن» چیست؟						۰/۵	
۳۶		پیام عبارت «ای دوست، ابتدا از بریدن بند اصحاب اولی‌تر» چیست؟						۰/۵	
۳۷		در بیت «بیا با گل لاله بیعت کنیم / که آله‌ها را حمایت کنیم»، بر کدام‌یک از ارزش‌های انقلاب اسلامی تأکید شده است؟						۰/۵	
صفحه ۳ از ۴									

سؤالات آزمون شبیه‌ساز نهایی درس: فارسی ۲		پایه: یازدهم	رشته: کلیه رشته‌ها	تاریخ آزمون: ۱۴۰۵/۰۴/۲۱
تعداد صفحه: ۴		مدت آزمون: ۱۰۰ دقیقه	نام و نام خانوادگی:	
آزمون شبیه‌ساز امتحان نهایی		گروه آموزشی ماز		
ردیف	سؤالات (پاسخ‌برگ دارد)			
نمره				
۳۸	در عبارت‌های زیر، مقصود از قسمت‌های مشخص شده چیست؟ الف) شما در این <u>آینه</u> ، نقش‌های بوقلمون بینید. ب) <u>گوهری</u> بود در خزانه غیب که آن را از نظر خازنان پنهان داشته بود. ج) از حکمت ربوبیت به <u>سر</u> ملایکه فرومی‌گفت.			
۳۹	منظور از «نگاه را در چله کمان‌نشانیدن» در عبارت زیر چیست؟ آدمی‌زاد می‌توانست به نگاه آن یکی تکیه کند و می‌توانست نگاه این یکی را در چله کمان بنشانند و به سوی دشمن پرتاب کند.			
۴۰	در جدول زیر مفاهیم مرتبط با عبارت ستون «الف» را از ستون «ب» انتخاب کنید. (یک مورد در ستون «ب» اضافی است).			
		ستون «الف»		ستون «ب»
	الف	به ترتیبی نهاده وضع عالم / که نی یک موی باشد بیش و نی کم		۱ محبت الهی
	ب	بلند آن سر که او خواهد بلندش / نژند آن دل که او خواهد نژندش		۲ طلب بندگی خدا نمودن
	ج	چه از تیر و چه از تیغ شما روی نتابید / که در جوشن عشقید، که از کرب و بلا یید		۳ اراده الهی
	د	نشاطی بده در عبادت مرا / دل لشکر دیو غمناک کن		۴ جان‌فشانی در راه عشق
				۵ حکمت الهی
۴۱	در مصراع دوم بیت «به فرزندان و یاران گفت چنگیز / که گر <u>فرزند</u> باید، باید این‌سان» منظور از «فرزند» چه کسی است؟			
	(ب) معنی شعر و نثر (۴ نمره) معنی و مفهوم ابیات و عبارات زیر را به نثر ساده و روان بنویسید.			
۴۲	یقین مرد را دیده بیننده کرد.			
۴۳	امیر از آن جهان آمده، به خیمه فرود آمد و جامه بگردانید.			
۴۴	بدان شمشیر تیز عافیت‌سوز			
۴۵	خروشید و برجست لرزان ز جای			
۴۶	آن موش را زیرا نام بود، با دَهای تمام و خرد بسیار؛ گرم و سرد روزگار دیده و خیر و شرّ احوال مشاهدت کرده.			
۴۷	آن یکی مُمدّ حیات است، این یکی مُفرّج ذات.			
۴۸	جمعی را مشتبه شد، گفتند: «نه همه تو ساخته‌ای؟»			
۲۰	موفق باشید.			
صفحه ۴ از ۴				

برنامه آزمون های تابستون کنکوری های ۱۴۰۶ منتشر شد!

ماز تکلیف تابستونت رو مشخص کرده!

آزمون های زوج درس (انتخاب بین

دهم یا یازدهم)

پیش خوانی اختیاری دوازدهم

شرکت در آزمون: به صورت حضوری

یا آنلاین؟ انتخاب با خودته!

از دهم شروع کنم یا یازدهم؟
دوازدهم رو از تابستون بخونم یا نه؟



آزمون های ماز حضوری شد!

۶ مرحله آزمون استاندارد:

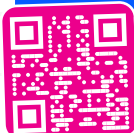
هر دو هفته یک بار تا ۱۰ مهر



اگه می خوای تابستون رو
جدی و با برنامه شروع کنی،
این برنامه برای توئه.

شروع از

۱۶ مرداد



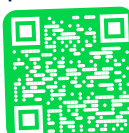
اسکن کن!

راهنمای شرکت در آزمون حضوری و انتخاب حوزه

✎ برای دریافت کلیک کن!

دقت کنید که حداکثر تا ۲۵ تیرماه فرصت دارید تا حوزه آزمون حضوری
ماز رو انتخاب و ثبت نامتون رو نهایی کنید.

هم اکنون ظرفیت حوزه های آزمون حضوری برای آزمون ۱۶ مرداد ماه در
حال تکمیل هستند.



اسکن کن!

دانلود برنامه آزمون های تابستان ماز

✎ برای دریافت کلیک کن!



پایه یازدهم

آزمون های شبیه ساز امتحانات نهایی ماز



شبیه ساز امتحان نهایی



یکشنبه ۲۱ تیرماه ۱۴۰۵

پاسخبرگ فارسی (۲)

برای شباهت حداکثری به امتحانات نهایی، صفحه آرایی، فونت و حتی اندازه متن در تمامی آزمون های تشریحی ماز، کاملاً یکسان با استاندارد امتحانات نهایی در نظر گرفته می شود.

آزمون شبیه‌ساز نهایی درس: فارسی ۲	تعداد صفحه: ۵	رشته: کلیه رشته‌ها	ساعت شروع:
نام و نام خانوادگی:	پایه یازدهم	مدت آزمون: ۱۰۰ دقیقه	تاریخ آزمون: ۱۴۰۵/۰۴/۲۱
آزمون شبیه‌ساز امتحان نهایی			
گروه آموزشی ماز			

ردیف	پاسخ‌برگ	نمره
قلمرو زبانی (۷ نمره)		
۱		۰/۲۵
۲	الف) ب)	۰/۵
۳		۰/۲۵
۴	الف) ب) ج)	۰/۷۵
۵	الف) ب) ج)	۰/۷۵
۶		۰/۲۵
۷		۰/۲۵
۸		۰/۲۵
۹		۰/۲۵
۱۰		۰/۲۵

آزمون شبیه‌ساز نهایی درس: فارسی ۲	تعداد صفحه: ۵	رشته: کلیه رشته‌ها	ساعت شروع:
نام و نام خانوادگی:	پایه یازدهم	مدت آزمون: ۱۰۰ دقیقه	تاریخ آزمون: ۱۴۰۵/۰۴/۲۱
آزمون شبیه‌ساز امتحان نهایی		گروه آموزشی ماز	

ردیف	پاسخ‌برگ	نمره
۱۱		۰/۲۵
۱۲		۰/۲۵
۱۳	صفت فاعلی	۰/۵
	صفت مفعولی	
۱۴		۰/۲۵
۱۵		۰/۲۵
۱۶		۰/۲۵
۱۷	الف) ب) ج)	۰/۷۵
۱۸		۰/۲۵
۱۹		۰/۲۵
۲۰		۰/۲۵
قلمرو ادبی (۵ نمره)		
۲۱		۰/۲۵
۲۲		۰/۲۵

آزمون شبیه‌ساز نهایی درس: فارسی ۲	تعداد صفحه: ۵	رشته: کلیه رشته‌ها	ساعت شروع:
نام و نام خانوادگی:	پایه یازدهم	مدت آزمون: ۱۰۰ دقیقه	تاریخ آزمون: ۱۴۰۵/۰۴/۲۱
آزمون شبیه‌ساز امتحان نهایی			
گروه آموزشی ماز			

ردیف	پاسخ‌برگ	نمره
۲۳	الف) ب)	۰/۵
۲۴		۰/۲۵
۲۵		۰/۲۵
۲۶		۰/۲۵
۲۷	الف) ب) ج) د)	۱
۲۸		۰/۲۵
۲۹		۰/۲۵
۳۰	الف) ب) ج)	۰/۷۵
۳۱		۰/۲۵
۳۲		۰/۲۵
۳۳		۰/۲۵

آزمون شبیه‌ساز نهایی درس: فارسی ۲	تعداد صفحه: ۵	رشته: کلیه رشته‌ها	ساعت شروع:
نام و نام خانوادگی:	پایه یازدهم	مدت آزمون: ۱۰۰ دقیقه	تاریخ آزمون: ۱۴۰۵/۰۴/۲۱
آزمون شبیه‌ساز امتحان نهایی		گروه آموزشی ماز	

ردیف	پاسخ‌برگ	نمره
۳۴		۰/۲۵
قلمرو فکری (۸ نمره) الف) درک مطلب ۴ نمره		
۳۵		۰/۵
۳۶		۰/۵
۳۷		۰/۵
۳۸	الف) ب) ج)	۰/۲۵
۳۹		۰/۵
۴۰	الف) ب) ج) د)	۱
۴۱		۰/۲۵
ب) معنی شعر و نثر (۴ نمره) معنی و مفهوم ابیات و عبارات زیر را به نثر ساده و روان بنویسید.		
۴۲		۰/۵
۴۳		۰/۵
۴۴		۰/۵
۴۵		۰/۵

ساعت شروع:	رشته: کلیه رشته ها	تعداد صفحه: ۵	آزمون شبیه ساز نهایی درس: فارسی ۲
تاریخ آزمون: ۱۴۰۵/۰۴/۲۱	مدت آزمون: ۱۰۰ دقیقه	پایه یازدهم	نام و نام خانوادگی:
گروه آموزشی ماز		آزمون شبیه ساز امتحان نهایی	

ردیف	پاسخ برگ	نمره
۴۶		۰/۷۵
۴۷		۰/۷۵
۴۸		۰/۵
	موفق باشید.	۲۰



پایه یازدهم

آزمون های شبیه ساز امتحانات نهایی ماز



شبیه ساز امتحان نهایی



دفترچه پاسخ

یکشنبه ۲۱ تیرماه ۱۴۰۵

جامع کل کتاب

بودجه آزمون

ویراستاران

علیرضا جعفری - احسان محسنی
فاطمه عباسی - فاطمه حمیدی
اسماعیل رضوی - زهرا توکلی

طراحان

حسن وسکری - اسماعیل رضوی
محمد حسین زنوزی - محمد مشهدبان

درس

فارسی ۲

حق چاپ و تکثیر سؤالات به هر روش (الکترونیکی و...) پس از برگزاری آزمون برای تمامی اشخاص حقیقی و حقوقی تنها با مجوز «گروه ماز» مجاز می باشد و با متخلفین برابر مقررات رفتار می شود.

مصَحَّح شو:



پاسخ دقیق سؤال این جا میاد و اسمش روشه: «مصَحَّح شو»، می خواد شما رو به یه مصحح حرفه‌ای و دقیق تبدیل کنه که بدونین موقع ارزیابی جواب‌هاتون باید حواستون به چی باشه تا توی آزمون‌های بعدی دقیق‌تر عمل کنین. اگه جواب یه سؤال رو بشه به شکل‌های مختلف بیان کرد، اون هم، این جا بهتون گفتیم.

بررسی دقیق‌تر:



اگه پاسخ کوتاه به سؤال کافی نباشه تا بینین چطوری باید به جواب برسین، توی این بخش با بررسی دقیق‌تر جواب، سؤال رو براتون توضیح دادیم.

نقشه نهایی:



امتحان نهایی قوانین و قواعد خاص خودش رو داره؛ شما باید بدونین تیپ‌های رایج سؤال‌های امتحان نهایی چیه و باید چطوری بهش جواب بدین. این کادر، مشاوره حرفه‌ای ماست به شما تا فوت و فن‌های امتحان نهایی رو یاد بگیرین.

۲۰ شو:



توی «۲۰ شو»، مبحث هر سؤال رو براتون مرور یا جمع‌بندی کردیم؛ «۲۰ شو» و درسنامه‌هاش دقیقاً فاصله بین نمره خوب و نمره ۲۰ رو براتون پر می‌کنه.

نکته طلایی:



با وجود «۲۰ شو»، که کلی درسنامه مفصل داره، باز هم اگه نکته مهم و مفیدی بود، توی این کادر براتون آوردیم.

تیم اجرایی و تولید آزمون

محدثه عربگری

زهرة صفری

محدثه شیخ‌علی

یگانه پوراابراهیم

مرضیه بنیانی

ساره محمدعلی‌نسب

سرپرست آزمون: ارمغان قریب

یک تیم با بیش از ۵۰۰ نفر در حال کار هستن تا آزمون‌های ماز با حداکثر کیفیت حاضر بشن و به شما کمک کنن و مسیر موفقیت رو براتون ساده‌تر کنن. همیشه از نظرات و کامنت‌های خوب‌تون انرژی می‌گیریم. مرسی که همراهمون هستین.

دکتر رسول خنجری

برنامه آزمون های تابستون کنکوری های ۱۴۰۶ منتشر شد!

ماز تکلیف تابستونت رو مشخص کرده!

آزمون های زوج درس (انتخاب بین

دهم یا یازدهم)

پیش خوانی اختیاری دوازدهم

شرکت در آزمون: به صورت حضوری

یا آنلاین؟ انتخاب با خودته!

از دهم شروع کنم یا یازدهم؟
دوازدهم رو از تابستون بخونم یا نه؟



آزمون های ماز حضوری شد!

۶ مرحله آزمون استاندارد:

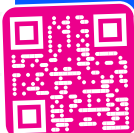
هر دو هفته یک بار تا ۱۰ مهر



اگه می خوای تابستون رو
جدی و با برنامه شروع کنی،
این برنامه برای توئه.

شروع از

۱۶ مرداد



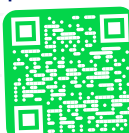
اسکن کن!

راهنمای شرکت در آزمون حضوری و انتخاب حوزه

✎ برای دریافت کلیک کن!

دقت کنید که حداکثر تا ۲۵ تیرماه فرصت دارید تا حوزه آزمون حضوری
ماز رو انتخاب و ثبت نامتون رو نهایی کنید.

هم اکنون ظرفیت حوزه های آزمون حضوری برای آزمون ۱۶ مرداد ماه در
حال تکمیل هستند.



اسکن کن!

دانلود برنامه آزمون های تابستان ماز

✎ برای دریافت کلیک کن!

برای دیدن پاسخ نامه ویدئویی آزمون شبیه ساز نهایی QR Code
را اسکن کنید یا روی لینک زیر ضربه بزنید.

پاسخنامه ویدئویی آزمون شبیه ساز نهایی

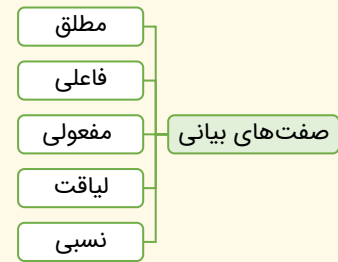


راهنمای تصحیح آزمون نهایی درس: فارسی ۲		رشته: کلیه رشته‌ها
دوره دوم متوسطه - یازدهم	تاریخ آزمون: ۱۴۰۵/۰۴/۲۱	ساعت شروع:
آزمون شبیه‌ساز امتحان نهایی	گروه آموزشی ماز	مدت زمان: ۱۰۰ دقیقه
ردیف	راهنمای تصحیح	نمره
۱	مصَحَّح شو خدایی، خداوندی (۰/۲۵) (درس ۷، صفحه ۵۸) سبز بودی یا قرمز؟ بهترین زمان پاسخگویی برای این سؤال: ۱ دقیقه	۰/۲۵
۲	مصَحَّح شو الف) درست (۰/۲۵) (درس ۱۴، ص ۱۱۲) ب) نادرست (۰/۲۵) (درس ۶، صفحه ۵۲) بررسی دقیق‌تر الف: سترگ ← بزرگ، عظیم ژنده ← بزرگ و عظیم ب: محجوب ← پنهان، مستور، پوشیده خنیده ← مشهور و معروف ردپای اشتباه به نظر می‌رسد که «محجوب» و «خنیده» تضاد معنایی دارند؛ ولی در واقع متضاد واژه «محجوب» واژه «آشکار» است و نمی‌توانند تضاد معنایی داشته باشند. سبز بودی یا قرمز؟ بهترین زمان پاسخگویی برای این سؤال: ۲ دقیقه	۰/۵
۳	مصَحَّح شو «الف» (زیبا) (۰/۲۵) (درس ۱۵، صفحه ۱۱۸) بررسی دقیق‌تر واژه «نزه» دارای معانی «باصفا، خوش‌آب‌وهوا، خرم» است. سبز بودی یا قرمز؟ بهترین زمان پاسخگویی برای این سؤال: ۱ دقیقه	۰/۲۵
۴	مصَحَّح شو الف) احتراز - اهتزار (۰/۲۵) (درس ۵، صفحه ۴۱) ب) الهاح - الحاج (۰/۲۵) (درس ۱۲، صفحه ۱۰۶) ج) توصل - توصل (۰/۲۵) (صفحه ۱۶۵) سبز بودی یا قرمز؟ بهترین زمان پاسخگویی برای این سؤال: ۲ دقیقه	۰/۷۵
۵	مصَحَّح شو الف) خاست (۰/۲۵) (درس ۲، صفحه ۱۷) ب) قربت (۰/۲۵) (درس ۷، صفحه ۵۷) ج) صخره‌ها (۰/۲۵) (درس ۱۸، صفحه ۱۵۲) نقشه نهایی مهم‌ترین دام طراحان سؤال در زمینه لغت و املا، استفاده از کلمات هم‌آوا و شبه هم‌آوا است. به معنی کلمات زیر توجه کنید: الف) خاست ← برخاست، بلند شد، قیام کرد خواست ← اراده کرد، تقاضا کرد ب) قربت ← نزدیکی غربت ← دوری، بیگانگی سبز بودی یا قرمز؟ بهترین زمان پاسخگویی برای این سؤال: ۲ دقیقه	۰/۷۵

۰/۲۵	مصّحّح شو «ب» (طلبیس و مکر) (۰/۲۵) (درس ۷، صفحه ۵۹) سبز بودی یا قرمز؟ بهترین زمان پاسخگویی برای این سؤال: ۱ دقیقه بررسی دقیق‌تر تلبیس: حقیقت را پنهان کردن، حیل و مکر به کار بردن، نیرنگ‌سازی نکته طلایی: به شکل‌های مختلف کلمه «غذا» دقت کنید (۱) غذا: خوراک (۲) قضا: سرنوشت (۳) غزا: جنگ	۶
۰/۲۵	مصّحّح شو «الف» (۰/۲۵) سبز بودی یا قرمز؟ بهترین زمان پاسخگویی برای این سؤال: ۲ دقیقه بررسی دقیق‌تر الف: ۱- غونیه ← قونیه ۲- عظم ← عزم ۳- پرغوغا ← پرغوغا ب: ۱- خورد ← خُرد (= کوچک) ۲- حاضر ← حاضر ۳- ذهاب ← زهاب ج: ۱- خورد ← خُرد (= کوچک) ۲- حاضر ← حاضر ۳- ذهاب ← زهاب ۲- دیده‌گان ← دیدگان ردپای اشتباه واژه «زهاب» به معنای «آبی که از سنگ و زمین می‌جوشد» را با واژه «ذَهاب» به معنای «رفتن» اشتباه نگیرید.	۷
۰/۲۵	مصّحّح شو تضمّن (درس ۱، صفحه ۱۳) سبز بودی یا قرمز؟ بهترین زمان پاسخگویی برای این سؤال: ۱ دقیقه بررسی دقیق‌تر بین واژه «سر» و «مغز» رابطه مجموعه و زیر مجموعه دارند. ۲۰ شو: روابط معنایی روابط معنایی میان واژگان می‌تواند چهار حالت داشته باشد: ۱. ترادف: دو واژه متفاوت هستند؛ اما معنای یکسانی دارند. برای مثال: پس از نماز امیر کشتی‌ها بخواست و ناوی ده بیاوردند. ← کشتی و ناو رابطه ترادف دارند. ۲. تناسب: دو واژه تناسب دارند و هردو در یک مجموعه قرار می‌گیرند؛ برای مثال: در آن باران تیر و برق پولاد / میان شام رستاخیز می‌گشت ← «تیر» با «پولاد» تناسب دارد. ۳. رابطه تضمّن: یک واژه جزئی از واژه دیگر (زیرمجموعه واژه دیگر) است؛ برای مثال: عزرائیل بیامد و به قهر، یک قبضه خاک از روی جمله زمین برگرفت. ← خاک جزئی از زمین است؛ بنابراین رابطه تضمّن دارند. ۴. رابطه تضاد: دو واژه از نظر مفهوم، مخالف هم هستند؛ برای مثال: من نهایت بعد اختیار کردم، که قربت را خطر بسیار است. ← بُعد (دوری) و قربت (نزدیکی) رابطه تضاد دارند.	۸
۰/۲۵	مصّحّح شو «الف» (۰/۲۵) (درس ۸، صفحه ۷۱) سبز بودی یا قرمز؟ بهترین زمان پاسخگویی برای این سؤال: ۱ دقیقه بررسی دقیق‌تر در سایر گزینه‌ها نقش ضمیر متصل مضاف‌الیه است؛ اما در گزینه «الف» نقش ضمیر متصل متمم است.	۹

	الف: با دست اشارتیم کرد ← به من اشاره کرد. متمم ب: مارانت را مغز فرزند من ← مغز فرزند من را به ماران تو... مضاف‌الیه ج: اگر فکر و حواسم این جهانی است ← اگر فکر و حواس من این جهانی است. مضاف‌الیه	
۰/۲۵	مصحح شو خوانده می‌شوی. (۰/۲۵) (درس ۲، صفحه ۱۸) سبز بودی یا قرمز؟ بهترین زمان پاسخگویی برای این سؤال: ۲ دقیقه ۲۰ شو: ساخت فعل مجهول فعل مجهول به صورت زیر ساخته می‌شود ← بن ماضی فعل معلوم + ه / ه (برای ساخت صفت مفعولی) + فعل کمکی از مصدر «شدن» نکته نهایی: فقط فعلی را می‌توان مجهول کرد که مفعول‌پذیر باشد؛ بنابراین افعال «آمد»، «ایستاد»، «افتاد» و... مجهول نمی‌شوند. روش مجهول کردن جمله‌های معلوم: ۱. نهاد جمله را حذف می‌کنیم. ۲. مفعول جمله دوم را به جای نهاد قرار می‌دهیم و «را» نشانه مفعول را حذف می‌کنیم. ۳. فعل جمله را به صفت مفعولی تبدیل می‌کنیم. ۴. از مصدر «شدن» فعلی متناسب با زمان فعل می‌سازیم و به آن اضافه می‌کنیم. نکته: اگر فعل ماضی باشد، از بن ماضی «شد» استفاده می‌کنیم و اگر مضارع باشد، از بن مضارع «شو» استفاده می‌کنیم. در زمان گذشته گاهی به جای مصدر «شدن» از فعل‌های دیگری، مانند «آمدن» و «گشتن» نیز استفاده می‌کردند. ۵. شناسه را با نهاد جدید مطابقت می‌دهیم. مثال‌های کتاب - دوهزار درم به دیگر ممالک، به مستحقان و درویشان دهند، شکر این را و نبشته آمد و به توقیع مؤکد گشت. فعل مجهول - سخت شاد شد و سجده شکر کرد خدای را عزوجل بر سلامت امیر و نامه نبشته آمد. فعل مجهول - گفت بونصر را بگوی که امروز درستم و این دو سه روز بار داده آید. فعل مجهول - دوات خواست و توقیع کرد و گفت: چون نامه‌ها گسیل کرده شود، تو باز آی. فعل مجهول	۱۰
۰/۲۵	مصحح شو «د» (۰/۲۵) (درس ۱۵، صفحه ۱۱۸) سبز بودی یا قرمز؟ بهترین زمان پاسخگویی برای این سؤال: ۲ دقیقه بررسی دقیق‌تر الف: پیش‌بند چرمین او که بر نیزه کرد ← «چرمین» صفت نسبی است. ب: از آن‌ها که خونین سفر کرده‌اند ← «خونین» صفت نسبی است. ج: سلاح‌های پیشرفته جنگی، ترتیب دادند ← «جنگی» صفت نسبی است. د: هر شب دو مرد را از کهتران یا مهترزادگان به دیوان او می‌برند. ← «کهتر» صفت نسبی نیست. «مهترزادگان» جمع مهترزاده و صفت مفعولی است.	۱۱

صفت‌های بیانی



الف) صفت مطلق:

نشانه‌های صفت فاعلی، مفعولی، نسبی و لیاقت را ندارد؛ مانند «پاک»، «خوب»، «خوشحال»، «خطرناک»، «زشت»، «سیاه»، «بلند»، «کوتاه» و...

مثال:

قد بلند

موصوف صفت مطلق

ب) صفت فاعلی

بن مضارع + نده = شنونده، گوینده، سازنده، درخشنده
بن مضارع + آ = گویا، شنوا، بینا، کوشا، روا، گیرا
بن مضارع + ان = خندان، دوان، روان، تابان
بن ماضی / بن مضارع + گار = آفریدگار، آموزگار، رستگار، کردگار
بن ماضی + ار = خریدار، خواستار
اسم / بن / صفت + گر = زرگر، توانگر، روشنگر
اسم / صفت + بن مضارع = خداشناس، راستگو

ج) صفت مفعولی: بن ماضی + ه / ه ← پرورده، شکسته، سوخته، آموخته

صفت مفعولی مرخم: اگر از آخر صفت مفعولی «ه / ه» را حذف کنیم، با صفت مفعولی مرخم مواجهیم.

خوش ساخت ← خوش ساخته

غم آلود ← غم آلوده

دست پخت ← دست پخته

د) صفت لیاقت: مصدر + ی: نوشیدنی، خواندنی، آموختنی، پریدنی، گفتنی

ه) صفت نسبی

اسم + ی = آسمانی، نیلوفری، نارنجی، خانگی
اسم + ین = زرّین، چوبین، پشمین، سیمین، آهنین، خونین، امروزمین
اسم + ینه = زرّینه، چوبینه، سیمینه، چرمینه
اسم + انی = روحانی، جسمانی، فوقانی، عقلانی
اسم + انه = بچگانه، مردانه، کودکانه، سالانه، صبحانه

چند نکته مهم

۱. هرگاه کشورها، قاره‌ها و شهرها با «ی» همراه شوند، صفت نسبی هستند؛ مانند: ایرانی، آسیایی، تهرانی...
۲. گاهی صفت نسبی با پسوند «ه / ه» ساخته می‌شود؛ مانند: بهاره، پاییزه، زمستانه

۰/۲۵	مصّحّح شو گزینه «ب» یا ماضی استمراری (۰/۲۵) (درس ۱۲، صفحه ۱۰۱) سبز بودی یا قرمز؟ بهترین زمان پاسخگویی برای این سؤال: ۱ دقیقه نکته طلایی در زمان‌های گذشته در انتهای فعل ماضی «ی» اضافه می‌کردند که این «ی» نشان‌دهنده استمرار بود؛ برای مثال: و سر ایشان کبوتری بود که او را مطوّقه گفتندی ← می‌گفتند.	۱۲
۰/۵	مصّحّح شو الف) شوینده (۰/۲۵) ب) شسته (۰/۲۵) (درس ۱۱، صفحه ۹۳) سبز بودی یا قرمز؟ بهترین زمان پاسخگویی برای این سؤال: ۳ دقیقه راهنمای مصّحّح در قسمت صفت فاعلی و صفت مفعولی به صفت‌های مرکب یا ون‌دی- مرکب هم نمره تعلق گیرد. بررسی دقیق‌تر الف: کافی است نشانه صفت فاعلی «نَده» را به «شو» اضافه کنیم. ← شو + نَده = شوینده ب: برای ساخت صفت مفعولی از فرمول «بن ماضی + ه / ه» استفاده می‌کنیم. ← شست + ه = شسته	۱۳
۰/۲۵	مصّحّح شو «الف» (۰/۲۵) (درس ۶، صفحه ۵۳) سبز بودی یا قرمز؟ بهترین زمان پاسخگویی برای این سؤال: ۱ دقیقه بررسی دقیق‌تر منظور طراح این است که در همه ابیات شیوه بلاغی به کار رفته است؛ حال باید دید در کدام گزینه جایگاه نهاد تغییر کرده است. جایگاه نهاد ابتدای جمله است. بررسی گزینه‌ها: الف: پرورده عشق شد سرشتم مسند نهاد ب: گرچه ز شراب عشق مستم مسند ج: دریاب که مبتلای عشقم مسند	۱۴
۰/۲۵	مصّحّح شو فرانک (۰/۲۵) (درس ۱۲، صفحه ۹۹) سبز بودی یا قرمز؟ بهترین زمان پاسخگویی برای این سؤال: ۱ دقیقه ۲۰ شو: نقش‌های تبعی نقش‌های تبعی به سه دسته تقسیم می‌شوند: ۱. بدل ۲. معطوف ۳. تکرار ۱. بدل: واژه یا واژه‌های قبل از خود را توضیح می‌دهد؛ برای مثال: - و می‌شنوم که قاضی بُست، یوالحسن بولانی و پسرش بوبکر سخت تنگدست‌اند. بدل از «قاضی بُست» بدل از «پسرش» - امیر را یافتم آنجا، بر زبر تخت نشسته، پیراهن توزی، مخنقه در گردن، عقدی همه کافور و بوالعلای طبیب آنجا زبر تخت دیدم. بدل از «مخنقه»	۱۵

	- پدر جلال‌الدین، محمد حسین خطیبی، معروف به «بهاء‌الدین ولد» از دانشمندان روزگار خود بود. بدل از «پدر جلال‌الدین» بدل از «پدر جلال‌الدین» - محمّد، ملقب به جلال‌الدین، مشهور به «مولانا» یا «مولوی» اوایل قرن هفتم، در شهر بلخ به دنیا آمد. بدل از «محمّد» ۲. معطوف: واژه یا واژه‌هایی که بعد از حرف عطف «و» و «یا» می‌آیند؛ برای مثال: آوازه تقوا و فضل و تأثیر بهاء‌ولد همه‌جا را گرفت. کتابی به طرز «الهی نامه» سنایی یا «منطق‌الطیر» عطار به نظم آرد. معطوف معطوف خاک با کمال مذلت و خواری، با حضرت عزّت و کبریایی، چندین ناز می‌کند. معطوف معطوف ۳. تکرار: هرگاه واژه یا واژگانی، در یک نقش، دوبار در جمله تکرار شوند، با این نقش تبعی مواجهیم. ردپای اشتباه مراقب باشید بین دو جمله «و» ربط خواهیم داشت؛ برای مثال: برگیر و بیاور.	
۰/۲۵	مصّحّح شو «ج» (۰/۲۵) (درس ۱۲، صفحه ۱۰۲) سبز بودی یا قرمز؟ بهترین زمان پاسخگویی برای این سؤال: ۲ دقیقه نقشه نهایی: جملات مرکب ۱. هرجا پیوند وابسته‌ساز مشاهده کردیم و فعل بیش از یکی باشد، جمله مرکب داریم. ✓ ۲. بعد از پیوندهای وابسته‌ساز (وقتی، وقتی که، چون، تا، اگر و...) جمله وابسته یا پیرو می‌آید و هرچه ماند، جمله هسته است. ۳. بعضی اوقات ممکن است پیوندهای وابسته‌ساز حذف شوند، معمولاً بعد از فعل «گفت» پیوند وابسته‌ساز «که» حذف می‌شود. ۴. بعد از کلمات «کاو» (که او)، «کاین» (که این)، «کان» (که آن) و... جمله وابسته می‌آید؛ برای مثال: شگفت آمدش کان (که آن) سخن‌ها شنید جمله هسته پیوند وابسته‌ساز (که) جمله وابسته	۱۶
۰/۷۵	مصّحّح شو الف) درست (۰/۲۵) (درس ۹، صفحه ۷۷) ب) نادرست (۰/۲۵) (درس ۸، صفحه ۶۷) ج) درست (۰/۲۵) (درس ۱۶، صفحه ۱۲۸) سبز بودی یا قرمز؟ بهترین زمان پاسخگویی برای این سؤال: ۳ دقیقه بررسی دقیق‌تر الف: ترکیب‌های وصفی: ۱- قصّه‌های شیرین ۲- هر دو ترکیب‌های اضافی: ۱- مادرم ۲- مادر بزرگشان ب: محیط به واژه «پادشاه» معطوف است: سرزمین روم پادشاه و محیطی آرام داشت. ج: «کذا» و «این» هر دو نقش «صفت» دارند. ۲۰ شو: وابسته‌های پسین وابسته‌های پسین بعد از هسته می‌آیند و عبارت‌اند از: • مضاف‌الیه • صفت بیانی • صفت شمارشی ترتیبی نوع دوم ۱. مضاف‌الیه: هر اسمی که بعد از کسره (ـِ) بیاید مضاف‌الیه است. مثال: فرجام کار ایشان چه باشد. فرجام کار مضاف مضاف‌الیه	۱۷

	نکته نهایی: ضمیر هم بعد از کسره، مضاف الیه است. دوستان <u>من</u> باهوش هستند. مضاف مضاف‌الیه ۲. صفت بیانی ۳. صفت شمارشی ترتیبی نوع دوم (با پسوند «م»): کلاس یازدهم روز نهم سال سوم هسته وابسته پسین هسته وابسته پسین																															
۰/۲۵	مصحح شو شناسه (۰/۲۵) بررسی دقیق‌تر در انتهای فعل گرفت، شناسه «ند» حذف شده است. ۲۰ شو: حذف شناسه می‌توان برخی از اجزای جمله را برای پرهیز از تکرار حذف نمود و چنین حذفی، حذف به قرینه لفظی نامیده می‌شود. در گذشته گاهی شناسه فعل به قرینه شناسه فعل قبلی حذف می‌شد؛ یعنی فعل اول شناسه داشت، اما افعال دوم به بعد فاقد شناسه بودند. مثال: کبوتران اضطرابی می‌کردند و هریک خود را <u>می‌کوشید</u>. ← <u>می‌کوشیدند</u>. مثال: چون نیمه‌شب، بود بار برنهادند و <u>پرفت</u>. ← <u>رفتند</u>.	۱۸																														
۰/۲۵	مصحح شو ماضی ساده یا گذشته ساده (۰/۲۵) (درس ۱۲، صفحه ۱۰۱) نقشه نهایی برای پاسخ‌گویی به سؤالات مربوط به زمان فعل، به جدول زیر توجه کنید: <table border="1"> <tr> <td>ساده</td><td>بن ماضی + شناسه</td><td>دیدم</td></tr> <tr> <td>استمراری</td><td>می + بن ماضی + شناسه</td><td>می‌دیدم</td></tr> <tr> <td>بعید</td><td>صفت مفعولی (بن ماضی + ه) + بود + شناسه</td><td>دیده بودم</td></tr> <tr> <td>نقلی</td><td>صفت مفعولی (بن ماضی + ه) + شناسه</td><td>دیده‌ام</td></tr> <tr> <td>التزامی</td><td>صفت مفعولی (بن ماضی + ه) + باش + شناسه</td><td>دیده باشم</td></tr> <tr> <td>مستمر</td><td>داشت + شناسه + ماضی استمراری</td><td>داشتم می‌دیدم</td></tr> </table> <table border="1"> <tr> <td>افعال مضارع</td><td>می + بن مضارع + شناسه</td><td>می‌بینم</td></tr> <tr> <td></td><td>ب + بن مضارع + شناسه</td><td>بینم</td></tr> <tr> <td></td><td>دار + شناسه + مضارع اخباری</td><td>دارم می‌بینم</td></tr> </table> <table border="1"> <tr> <td>آینده</td><td>خواه + شناسه + بن ماضی</td><td>خواهم دید</td></tr> </table> نکات مهم فعل که باید بلد باشید: ۱. افعال: «هست»، «نیست» و «است» مضارع اخباری‌اند و «باشد» مضارع التزامی است. ۲. گاهی بر سر فعل ماضی، نشانه مضارع‌ساز «ب» آورده می‌شود؛ اما تأثیری در تغییر فعل ماضی ندارد؛ برای مثال: ز هر کشوری مهتران را <u>یخواست</u> ← آوردن نشانه مضارع‌ساز «ب» بر سر فعل ماضی «خواست» تأثیری نداشته است.	ساده	بن ماضی + شناسه	دیدم	استمراری	می + بن ماضی + شناسه	می‌دیدم	بعید	صفت مفعولی (بن ماضی + ه) + بود + شناسه	دیده بودم	نقلی	صفت مفعولی (بن ماضی + ه) + شناسه	دیده‌ام	التزامی	صفت مفعولی (بن ماضی + ه) + باش + شناسه	دیده باشم	مستمر	داشت + شناسه + ماضی استمراری	داشتم می‌دیدم	افعال مضارع	می + بن مضارع + شناسه	می‌بینم		ب + بن مضارع + شناسه	بینم		دار + شناسه + مضارع اخباری	دارم می‌بینم	آینده	خواه + شناسه + بن ماضی	خواهم دید	۱۹
ساده	بن ماضی + شناسه	دیدم																														
استمراری	می + بن ماضی + شناسه	می‌دیدم																														
بعید	صفت مفعولی (بن ماضی + ه) + بود + شناسه	دیده بودم																														
نقلی	صفت مفعولی (بن ماضی + ه) + شناسه	دیده‌ام																														
التزامی	صفت مفعولی (بن ماضی + ه) + باش + شناسه	دیده باشم																														
مستمر	داشت + شناسه + ماضی استمراری	داشتم می‌دیدم																														
افعال مضارع	می + بن مضارع + شناسه	می‌بینم																														
	ب + بن مضارع + شناسه	بینم																														
	دار + شناسه + مضارع اخباری	دارم می‌بینم																														
آینده	خواه + شناسه + بن ماضی	خواهم دید																														

۰/۲۵	مصّحّح شو «الف» (رکاب) (۰/۲۵) (درس ۱۲، صفحه ۱۰۴) سبز بودی یا قرمز؟ بهترین زمان پاسخگویی برای این سؤال: ۱ دقیقه بررسی دقیق‌تر سپر علاوه بر معنای گذشته معنای جدید هم پذیرفته است. در گذشته به معنای نوعی ابزار دفاع در جنگ بوده است. امروز علاوه بر معنای ذکر شده در معنای سپر ماشین هم به کار می‌رود. الف: رکاب: علاوه بر معنای قدیم معنای جدید نیز پذیرفته است. این واژه علاوه بر معنای قدیم خود، امروزه در معنای رکاب دوچرخه یا رکاب کامیون هم به کار می‌رود. ب: شوخ: تحوّل معنایی یافته است. در گذشته به معنای آلودگی به کار می‌رفت و امروز دیگر در این معنا کاربردی ندارد. این واژه امروز در معنای اهل شوخی و مزاح کاربرد دارد. ج: فتراک: این واژه از دایره زبان امروز حذف شده است. در گذشته به معنای ترک‌بند زین اسب به کار می‌رفت. د: شادی: این واژه بدون تغییر هم‌چنان در زبان فارسی به کار می‌رود.	۲۰
۰/۲۵	مصّحّح شو چون محدودیت قافیه‌ای کمتری دارد. (۰/۲۵) (درس ۶، صفحه ۵۴) سبز بودی یا قرمز؟ بهترین زمان پاسخگویی برای این سؤال: ۱ دقیقه بررسی دقیق‌تر منظومه‌های داستانی طولانی هستند و قالب مثنوی با توجه به اینکه محدودیت قافیه‌ای کمتری نسبت به سایر قالب‌ها دارد، قالب مناسبی برای سرودن منظومه‌های داستانی است.	۲۱
۰/۲۵	مصّحّح شو «ب» (۰/۲۵) (درس ۱۲، صفحه ۱۰۵) سبز بودی یا قرمز؟ بهترین زمان پاسخگویی برای این سؤال: ۱ دقیقه بررسی دقیق‌تر برای بیت صورت سوال می‌توان هر دو زمینه «قهرمانی» و «ملی» را صحیح دانست.	۲۲
۰/۵	مصّحّح شو الف) شاعر علت وجود داغ و لکه سیاه بر بدنه گلبرگ گل لاله را ناشی از دود چراغ دانسته است که روشن است این دلیل، یک دلیل ذوقی و البته غیرواقعی است. (۰/۲۵) (درس ۱۵، صفحه ۱۱۸) ب) لاله (۰/۲۵) (درس ۱۵، صفحه ۱۱۸) سبز بودی یا قرمز؟ بهترین زمان پاسخگویی برای این سؤال: ۲ دقیقه	۲۳
۰/۲۵	مصّحّح شو جناس (جناس ناقص) (۰/۲۵) (درس ۱، صفحه ۱۲) سبز بودی یا قرمز؟ بهترین زمان پاسخگویی برای این سؤال: ۱ دقیقه	۲۴
۰/۲۵	مصّحّح شو «ب» (۰/۲۵) (درس ۱، صفحه ۱۲) سبز بودی یا قرمز؟ بهترین زمان پاسخگویی برای این سؤال: ۳ دقیقه	۲۵

	 بررسی دقیق‌تر مصراع دوم بیت دوم به آیه شریفه «لیس للانسان الا ماسعی» اشاره دارد. بازو مجاز از قدرت و توان / سعی مجاز از دسترنج بیت «الف» هیچکدام از آرایه‌های صورت سوال را ندارد.	
۰/۲۵	 مصحح شو آفتاب، ستاره (ذکر یک مورد کفایت می‌کند) (۰/۲۵) (درس ۱۷، صفحه ۱۴۰)  سبز بودی یا قرمز؟ بهترین زمان پاسخگویی برای این سؤال: ۱ دقیقه  بررسی دقیق‌تر آفتاب: نعمت‌های بزرگ که از آن محروم هستیم. ستاره: داشته‌های ناچیز.	۲۶
۱	 مصحح شو الف) «۳» (جناس) (۰/۲۵) (درس ۱۴، صفحه ۱۱۱) ب) «۱» (ایهام) (۰/۲۵) (درس ۱۱، صفحه ۹۴) ج) «۴» (متناقض‌نما) (۰/۲۵) (درس ۹، صفحه ۸۰) د) «۲» (مجاز) (۰/۲۵) (درس ۱۲، صفحه ۱۰۲)  سبز بودی یا قرمز؟ بهترین زمان پاسخگویی برای این سؤال: ۳ دقیقه  بررسی دقیق‌تر الف: میان «جنگ» و «رنگ» جناس ناهمسان اختلافی برقرار است. ب: «دست خون» در دو معنا پذیرفتنی است: ۱- دستی که خون‌آلوده است. ۲- دستی از بازی (قمار) که قمارباز در آن دست بر جان خود شرط بسته است. ج: «حقیقی‌ترین مجاز» متناقض‌نما دارد. اگر «حقیقی» است؛ پس چرا مجاز است و اگر مجاز است پس چرا حقیقی است! د: «چرم» مجاز از «پیش‌بند» است.	۲۷
۰/۲۵	 مصحح شو «روس» (۰/۲۵) (درس ۵، صفحه ۴۱)  سبز بودی یا قرمز؟ بهترین زمان پاسخگویی برای این سؤال: ۱ دقیقه  بررسی دقیق‌تر مجاز حاکمان کشور روسیه	۲۸
۰/۲۵	 مصحح شو «د» (حمید سبزواری) (۰/۲۵) (درس ۳، صفحه ۳۲)  سبز بودی یا قرمز؟ بهترین زمان پاسخگویی برای این سؤال: ۱ دقیقه	۲۹
۰/۷۵	 مصحح شو الف) جامی (۰/۲۵) (درس ۲، صفحه ۲۴) ب) بدیع‌الزمان فروزانفر (۰/۲۵) (درس ۸، صفحه ۷۱) ج) لطفعلی صورتگر (۰/۲۵) (درس ۹، صفحه ۸۴)  سبز بودی یا قرمز؟ بهترین زمان پاسخگویی برای این سؤال: ۱ دقیقه	۳۰

۰/۲۵	۳۱	مصّحّح شو «ب» (بی تو حتی مهربانی حالتی از کینه دارد) (۰/۲۵) (درس ۱۱، صفحه ۹۵) سبز بودی یا قرمز؟ بهترین زمان پاسخگویی برای این سؤال: ۱ دقیقه
۰/۲۵	۳۲	مصّحّح شو «ب» (۰/۲۵) (درس ۱۱، صفحه ۹۵) بررسی دقیق‌تر خواستم از رنجش دوری بگویم، یادم آمد عشق با آزار، خویشاوندی دیرینه دارد
۰/۲۵	۳۳	مصّحّح شو «کسی کز بدی دشمن میهن است» (۰/۲۵) (درس ۷، صفحه ۶۳) سبز بودی یا قرمز؟ بهترین زمان پاسخگویی برای این سؤال: ۱ دقیقه
۰/۲۵	۳۴	مصّحّح شو ز نیروی شیران بود گوهرم (۰/۲۵) (درس ۱۴ ص ۱۱۵) سبز بودی یا قرمز؟ بهترین زمان پاسخگویی برای این سؤال: ۱ دقیقه
۰/۵	۳۵	مصّحّح شو ترسیدن از حساب‌رسی روز قیامت (۰/۵) (به جملات هم‌معنا نیز نمره داده شود.) (درس ۲ صفحه ۲۰ و درس ۱۸ صفحه ۱۵۵) سبز بودی یا قرمز؟ بهترین زمان پاسخگویی برای این سؤال: ۱ دقیقه
۰/۵	۳۶	مصّحّح شو رهبر یک گروه باید همیشه یاران و دوستان را بر خویش ترجیح دهد. (۰/۵) (درس ۱۵، صفحه ۱۲۰) (به مفهوم‌های مشابه نمره تعلق گیرد.) سبز بودی یا قرمز؟ بهترین زمان پاسخگویی برای این سؤال: ۱ دقیقه
۰/۵	۳۷	مصّحّح شو ارزشمندی مقام شهیدان یا ادامه دادن راه شهدا (۰/۵) (درس ۱۱، صفحه ۹۱) (به سایر موارد هم‌معنا نیز نمره داده شود.) سبز بودی یا قرمز؟ بهترین زمان پاسخگویی برای این سؤال: ۱ دقیقه
۰/۲۵	۳۸	مصّحّح شو الف) انسان (خلقت انسان یا وجود انسان) (۰/۲۵) (درس ۷، صفحه ۶۱) ب) عشق یا محبّت (۰/۲۵) (درس ۷، صفحه ۶۱) ج) باطن یا قلب (۰/۲۵) (درس ۷، صفحه ۶۱) سبز بودی یا قرمز؟ بهترین زمان پاسخگویی برای این سؤال: ۳ دقیقه
۰/۵	۳۹	مصّحّح شو نگاه نافذ و تأثیرگذار (به سایر مفاهیم مشابه نیز نمره داده شود) (۰/۵) (درس ۱۶، صفحه ۱۳۴) سبز بودی یا قرمز؟ بهترین زمان پاسخگویی برای این سؤال: ۱ دقیقه

۴۰	مصّحّ شو الف) «۵» (حکمت الهی) (۰/۲۵) (درس ۱، صفحه ۱۰) ب) «۳» (اراده الهی) (۰/۲۵) (درس ۱، صفحه ۱۰) ج) «۴» (جان‌فشانی در راه عشق) (۰/۲۵) (درس ۱۱، صفحه ۹۴) د) «۲» (طلب بندگی خدانمودن) (۰/۲۵) (درس ۱۸، صفحه ۱۵۵) سبز بودی یا قرمز؟ بهترین زمان پاسخگویی برای این سؤال: ۳ دقیقه	۱
۴۱	مصّحّ شو جلال‌الدین خوارزمشاه (۰/۲۵) (درس ۳، صفحه ۳۰) سبز بودی یا قرمز؟ بهترین زمان پاسخگویی برای این سؤال: ۱ دقیقه	۰/۲۵
۴۲	مصّحّ شو یقین و اطمینان به روزی‌رسان بودن خداوند (۰/۲۵)، چشم مرد را بینا کرد یا او را آگاه نمود. (۰/۲۵) (یا هر مفهوم مشابه) (درس ۱، صفحه ۱۳) سبز بودی یا قرمز؟ بهترین زمان پاسخگویی برای این سؤال: ۱ دقیقه	۰/۵
۴۳	مصّحّ شو امیر (سلطان مسعود) از مرگ نجات یافته (۰/۲۵) به خیمه آمد و لباس عوض کرد. (۰/۲۵) (درس ۲، صفحه ۱۷) سبز بودی یا قرمز؟ بهترین زمان پاسخگویی برای این سؤال: ۱ دقیقه	۰/۵
۴۴	مصّحّ شو جلال‌الدین با شمشیر تیز کشته‌اش (۰/۲۵) درحالی‌که میان شمار بسیاری از مغولان بود، آن‌ها را می‌کشت (۰/۲۵). (یا هر مفهوم مشابه) (درس ۳، صفحه ۲۹) سبز بودی یا قرمز؟ بهترین زمان پاسخگویی برای این سؤال: ۲ دقیقه	۰/۵
۴۵	مصّحّ شو کاوه فریاد کشید و درحالی‌که از خشم می‌لرزید، از جا برخاست (۰/۲۵) و استشهدنامه را پاره کرد و زیر پا انداخت. (۰/۲۵) (یا هر مفهوم مشابه) (درس ۱۲، صفحه ۱۰۲) سبز بودی یا قرمز؟ بهترین زمان پاسخگویی برای این سؤال: ۱ دقیقه	۰/۵
۴۶	مصّحّ شو نام آن موش زبرا بود (۰/۲۵) بسیار زیرک بود و عقل و هوش زیادی داشت (۰/۲۵) و باتجربه بود و از گذشت روزگار تجربه زیادی کسب کرده بود. (۰/۲۵) (یا هر مفهوم مشابه) (درس ۱۵، صفحه ۱۲۰) سبز بودی یا قرمز؟ بهترین زمان پاسخگویی برای این سؤال: ۱ دقیقه	۰/۷۵
۴۷	مصّحّ شو اولی یاری‌کننده زندگی (۰/۲۵) و دومی شادی‌بخش (۰/۲۵) سرشت و نهاد ما است. (۰/۲۵) (یا هر مفهوم مشابه) (درس ۱۸، صفحه ۱۴۶) سبز بودی یا قرمز؟ بهترین زمان پاسخگویی برای این سؤال: ۱ دقیقه	۰/۷۵
۴۸	مصّحّ شو گروهی دچار شک و اشتباه شدند و گفتند (۰/۲۵) مگر همه موجودات را تو نیافریدی؟ (۰/۲۵) (درس ۷) سبز بودی یا قرمز؟ بهترین زمان پاسخگویی برای این سؤال: ۱ دقیقه	۰/۵
۲۰	موفق باشید.	



دوپیند فوری شب امتحان



فارسی یازدهم مشترک



SanjeshCloud

www.SanjeshCloud.ir

برنامه آزمون های تابستون کنکوری های ۱۴۰۶ منتشر شد!

ماز تکلیف تابستونت رو مشخص کرده!

آزمون های زوج درس (انتخاب بین

دهم یا یازدهم)

پیش خوانی اختیاری دوازدهم

شرکت در آزمون: به صورت حضوری

یا آنلاین؟ انتخاب با خودته!

از دهم شروع کنم یا یازدهم؟
دوازدهم رو از تابستون بخونم یا نه؟



آزمون های ماز حضوری شد!

۶ مرحله آزمون استاندارد:

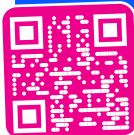
هر دو هفته یک بار تا ۱۰ مهر



اگه می خوای تابستون رو
جدی و با برنامه شروع کنی،
این برنامه برای توئه.

شروع از

۱۶ مرداد



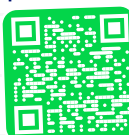
اسکن کن!

راهنمای شرکت در آزمون حضوری و انتخاب حوزه

✎ برای دریافت کلیک کن!

دقت کنید که حداکثر تا ۲۵ تیرماه فرصت دارید تا حوزه آزمون حضوری
ماز رو انتخاب و ثبت نامتون رو نهایی کنید.

هم اکنون ظرفیت حوزه های آزمون حضوری برای آزمون ۱۶ مرداد ماه در
حال تکمیل هستند.



اسکن کن!

دانلود برنامه آزمون های تابستان ماز

✎ برای دریافت کلیک کن!

فهرست

- درس اول: نیکی ۱
- درس دوم: قاضی بُست ۵
- درس سوم: در امواج سند ۸
- درس پنجم: آغازگری تنها ۱۱
- درس ششم: پروردهٔ عشق ۱۵
- درس هفتم: باران محبت ۱۸
- درس هشتم: در کوی عاشقان ۲۱
- درس نهم: ذوق لطیف ۲۴
- درس دهم: بانگ جرس ۲۸
- درس یازدهم: یاران عشق ۳۱
- درس دوازدهم: کاوهٔ دادخواه ۳۳
- درس چهاردهم: حملهٔ حیدری ۳۷
- درس پانزدهم: کبوتر طوق دار ۴۰
- درس شانزدهم: قصهٔ عینکم ۴۳
- درس هفدهم: خاموشی دریا ۴۸
- درس هجدهم: خوان عدل ۵۰



درس یکم: نیکی

◀ نکات قلمرو زبانی

در معنی کردن واژه‌ها لازم است که در واژه‌نامه به نکات زیر توجه شود:

۱. مفرد یا جمع بودن

- اطبّا: جمع طبیب، پزشکان ✓
اطبّا: جمع طبیب، پزشک ✗
لطایف: جمع لطیفه، نکته‌های دقیق و ظریف، دقایق؛ سخنان نرم و دلپذیر ✓
لطایف: جمع لطیفه، نکته دقیق و ظریف، دقایق؛ سخن نرم و دلپذیر ✗

۲. مثبت یا منفی بودن

- بی‌شائبه: بدون آلودگی و با خلوص و صداقت، پاک، خالص ✓
شائبه: بدون آلودگی و با خلوص و صداقت، پاک، خالص ✗

۳. اسم یا صفت بودن

- حلاوت: شیرینی ✓
حلاوت: شیرین ✗
لختی: اندکی ✓
لختی: اندک ✗
مَسَرّت: شادی، خوشی ✓
مَسَرّت: شاد، خوش ✗

۴. نقطه مقابل / تقابل / متضاد

- نقطه مقابل «ادبار»: اقبال ✓
نقطه مقابل «ادبار»: بدبختی، سیه روزی ✗

🚀 نکته طلایی

چند نکته حایز اهمیت درمورد املا:

- گزينش املايي گروه‌های شش‌گانه
«ء / ع / ت / ط / ث / س / ص / ح / ه / ذ / ز / ض / ظ / غ / ق»
- هر غلط املايي، غلط رسم الخطی نیست؛ اما هر غلط رسم الخطی، غلط املايي است.
مصادیقی از رسم الخط عبارت‌اند از: «برخواست، برخاست / هفته‌گی، هفتگی / آینده‌گان، آیندگان / بینداخت، بینداخت / بیافتاد، بیفتاد / بیانگارد، بینگارد»
هر واژه‌ای با «ا=الف» همراه با مصوت‌های کوتاه شروع شود و بخواهیم با پیشوند «ب/ن» بیاوریم:
- حذف الف (ا) و تبدیل به مصوت بلند «ی» = ب + انداخت: بینداخت / ن + افزود: نیفزود
- گروه کلمه (گروه واژه): از دو یا بیش از دو کلمه تشکیل شده است.
الف) مضاف یا هسته + نقش‌نمای اضافه «ـ / ی» + مضاف‌الیه، مثال: نقض غرض
ب) موصوف یا هسته + نقش‌نمای اضافه «ـ / ی» + صفت بیانی، مثال: سخن نغز
ج) مترادف یا تضاد (معطوف‌علیه یا هسته + حرف عطف «و» + معطوف، مثال: عصیان و سرکشی / صحت و سقم)



نمونه‌های کاربرد حرف «را» به‌عنوان جایگزین کسره اضافه یا «فک اضافه» در درس یکم و ستایش:

یقین، مرد را دیده، بیننده کرد.

صفت بیانی فاعلی موجود در درس یکم:

بیننده، آفریننده، بخشنده، درنده

صفت بیانی مفعولی موجود در ستایش و درس یکم:

گشاده، نهاده، وامانده، وابسته، کشیده، خسته، برداشته

صفت بیانی نسبی موجود در کارگاه متن‌پژوهی درس یکم:

پسین، پیشین، جانانه، ارغوانی

رابطه معنایی واژه‌های موجود در ستایش و درس یکم:

• **تضمّن یا شمول:** چاشنی و خوراکی - احسان و توفیق - سیر و گیاه - دست و اعضای

بدن - تند و مزه - ماه، آسمان و سیاره - چنگ و ساز - سیر و رنگ

(طالع شیر است نقش شیر زن / جهد کن رنگ کبودی سیر زن)

• **تضاد:** قریب، غریب - تند، آهسته - سیر، روشن - سیر، گرسنه

• **ترادف:** تند، تیز - سیر، بیزار

• **تناسب:** تند، تُرش - سیر، اشتها - سیر و پیاز

◀ نکات قلمرو ادبی

اضافه‌های تشبیهی موجود در درس یکم:

صورت بی‌صورت بی‌حدّ غیب ز آینه دل تافت بر موسی ز جیب

استعاره (مکنیه) و تشخیص موجود در ستایش و درس یکم:

• در احسان

• قرین حال گردیدن لطف

• یک سو پا نهادن توفیق

• کمال عقل

استعاره‌های موجود در ستایش و درس یکم:

• راه (کمال عقل آن باشد در این راه): شناخت حقیقت

• هر دو سرای (کسی نیک بیند به هر دو سرای): دنیا و آخرت

• قطره باران (گریه شام و سحر، شکر که ضایع نگشت / قطره باران ما، گوهر یکدانه

شد): اشک

مجازهای موجود در ستایش و درس یکم:

• خرد (خرد را گر نبخشد روشنایی): قدرت، درک، آگاهی

• به نام چاشنی بخش زبان‌ها: سخن



- بلند آن سر که او خواهد بلندش
- به ترتیبی نهاده وضع عالم
- یقین، مرد را دیده، بیننده کرد: انسان
- زنخدان فرو برد چندی به جیب: سر
- بیگانه و دوست (نه بیگانه تیمار خوردش نه دوست): همه
- چو صبرش نماند از ضعیفی و هوش: آگاهی و هوشیاری
- بازو - سعی (بخور تا توانی به بازوی خویش / که سعیت بود در ترازوی خویش): قدرت و توانایی و تلاش - نتیجه اعمال
- سر - مغز - پوست (کرم ورزد آن سر که مغزی در اوست / که دون همتانند بی مغز و پوست): خود انسان - عقل و اندیشه
- روز (معیار دوستان دغل، روز حاجت است): وقت
- دل و جان (دل بر دلداری رفت، جان بر جانانه شد): خود (کل وجود)

کنایه‌های موجود در ستایش و درس یکم:

مفهوم	کنایه	مفهوم	کنایه
غمگین شدن	نه بیگانه تیمار خوردش نه دوست	رونق	به نام چاشنی بخش زبان‌ها
متکی به خود	که سعیت بود در ترازوی خویش	برتری یافتن بر دیگران (= مایه افتخار)	سربلند شدن (بلند آن سر که او خواهد بلندش)
ناتوانی - یاری رساندن	بگیر ای جوان، دست درویش پیر / نه خود را بیفکن که <u>دستم</u> بگیر	بخشش فراوان	گشاده بودن در احسان (در ناپسته احسان گشاده است)
عاقل بودن - بی‌عقلی	کرم ورزد آن سر که مغزی در اوست / که دون همتانند بی مغز و پوست	چیز بی‌ارزش	موی کم (که نی یک موی باشد بیش و نی کم)
بارزش شدن	قطره باران ما، گوهر یکدانه شد	همراه نبودن، کناره‌گیری از انجام کاری	وگر توفیق او یک سو نهد پای
توجه به چیزی - عاشقی	با زمانی دیگر انداز ای که پندم می‌دهی کاین زمانم گوش بر چنگ است و دل در چنگ نیست	ناتوانی	یکی، روبهی دید بی‌دست‌وپای
تلاش برای کسب روزی	شرط عقل است <u>جستن</u> از درها	خداوند	که روزی رسان، قوت روزش بداد
آماده برای انجام کاری	موری را دیدند که به زورمندی <u>کمر بسته</u> و...	اعتماد کردن	تکیه کردن بر... (شد و تکیه بر آفریننده کرد)

متناقض‌نما (پارادوکس / تناقض) موجود در درس یکم:

صورت بی‌صورت بی‌حدّ غیب



ایهام و ایهام تناسب موجود در درس یکم:

نه بیگانه تیمار خوردش نه دوست چو چنگش رگ و استخوان ماند و پوست
چنگ: (۱) نوعی ساز (۲) پنجه که با رگ و پوست و استخوان تناسب دارد.

◀ نکات قلمرو فکری

نکته طلایی

نکته حائز اهمیت در معنی شعر و نثر:
با توجه به بارم هر مورد، لازم است به واژه‌های ویژه‌ای که در آن شعر یا نثر ارائه شده، توجه کنید؛ اگر موردی (۰/۲۵) نمره داشته باشد، پس یک واژه خاص در صورت سؤال برای طراح مد نظر است. اگر (۰/۵) نمره باشد، دو واژه و اگر (۰/۷۵) سه واژه.



درس دوم: قاضی بست

◀ نکات قلمرو زبانی

نمونه‌های کاربرد حرف «را» به عنوان جایگزین کسره اضافه یا «فک اضافه» در درس دوم:

- بونصر نامه‌های رسیده را، به خط خویش، نکت بیرون می‌آورد. (نامه‌های رسیده را نکت = نکت نامه‌های رسیده)
- پذیرفتم و باز دادم که مرا به کار نیست. (مرا به کار = به کار من)
- و آن را امیرالمؤمنین می‌روا دارد ستدن. (آن را ستدن = ستدن آن)

«را»ی حرف اضافه (از، به، با، برای، بر)، نقش‌نمای متمم موجود در درس دوم:

- خروش و دعا بود از لشکری و رعیت و چندان صدقه دادند که آن را اندازه نبود.
- به مستحقان و درویشان دهند شکر این را.
- گفت: بونصر را بگوی که امروز درستم...
- سخت شاد شد و سجده شکر کرد خدای را عز وجل...
- آغاجی خادم را گفت: کیسه‌ها بیاور!
- بونصر را بگوی که زرهاست که...
- در هر سفری ما را از این بیارند تا صدقه‌ای...
- خویشان را ضیعتکی حلال خرد و فراخ‌تر بتوانند زیست.
- بونصر پسرش را گفت...

فعل مجهول موجود در درس دوم:

- و نبشته آمد و به توقیع، مؤکد گشت و مبشران برفتند.
- که امروز درستم و در این دو سه روز، بار داده آید که علت و تب تمامی زایل شد.
- گفت: چون نامه گسیل کرده شود، تو باز آی.

نقش تبعی «بدل» موجود در درس دوم:

- قاضی بست، بوالحسن بولانی...
- به پسرش (ش = قاضی بست)، بوبکر...

صفت بیانی فاعلی موجود در درس دوم:

سوزان، برخوردار

صفت بیانی مفعولی موجود در درس دوم:

کوفته، نمانده، نبشته، آویخته، داده، بگداخته، گزارده، خوانده، ساخته، زده، بیاورده، سوخته، نیاموخته، غرامت‌زده، سروده



صفت بیانی نسبی موجود در درس دوم:

توزی، پیشین، اخلاقی، کورکورانه

رابطه معنایی واژه‌های موجود در درس دوم:

- تضمّن یا شمول: فرود سرای و کوشک، تب و علت
- ترادف: مخنقه و عقد، وزر و وبال

◀ نکات قلمرو ادبی

متناقض نما (پارادوکس / تناقض) موجود در درس دوم:

عاقبت از خامی خود سوخته

ایهام و ایهام تناسب موجود در درس دوم:

- نادره کبکی به جمال تمام شاهد آن روضه فیروزه فام
شاهد: (۱) زیبارو (۲) گواه
- باز کشید از روش خویش پای در پی او کرد به تقلید جای
پی: (۱) دنبال (۲) رد پا که با «پا» تناسب دارد.

استعاره (مکنیه) و تشخیص موجود در درس دوم:

زاغی از آن جا که فراغی گزید رخت خود از باغ به راغی کشید (رخت کشیدن زاغ)

مجازهای موجود در درس دوم:

- به کران آب فرود آمدند: رودخانه
- شادی‌ای به آن بسیاری تیره شد: خراب
- خروش و دعا بود از لشکری و رعیت: همه
- هزار هزار درم به غزنین: حاکم و یا مردم غزنین
- مگر از اطبا و تنی چند از خدمتکارانِ مرد و زن و دل‌ها سخت متحیر شد: مردم
- و دوات خواست و توقیع کرد: قلم
- پدر ما از غزو هندوستان آورده است: مردم یا حاکمان هندوستان
- زری که سلطان محمود به غزو از بتخانه‌ها به شمشیر بیاورده باشد: جنگ و قدرت
- وز قلم او رقمی می‌کشید: نوشته (نقش)
- رفت بر این قاعده روزی سه چار: چند روز



کنایه‌های موجود در درس دوم:

مفهوم	کنایه	مفهوم	کنایه
شرح داد.	هرچه کرده بود، باز نمود و مرا داد	بستر مهیا کردند.	یکی بزرگ‌تر، از جهت نشست، و جامه‌ها افکندند
مهاجرت، کوچ کردن	رخت به ... کشیدن (رخت خود از باغ به راگی کشید)	نجات یافته از مرگ	امیر از آن جهان آمده، به خیمه فرود آمد
تقلید می‌کرد	وز قلم او رقمی می‌کشید	به وجود آمده.	اضطرابی و تشویشی بزرگ به پا شده
آسیب دیدن به جهت بی‌تجربگی	عاقبت از خامی خود سوخته	اجازه ورود به دربار شاه داده شود.	در این دو سه روز، بار داده آید
		نوشت	قلم در نهاد



درس سوم: درامواج سندر

◀ نکات قلمرو زبانی

«را» حرف اضافه (از، به، با، برای، بر) نقش‌نمای متمم موجود در درس سوم:

حکیمی را پرسیدند... ← حرف اضافه
و سرو را هیچ از این نیست... ← برای

صفت بیانی فاعلی موجود در درس سوم:

سوزنده، روان، لرزان

صفت بیانی مفعولی موجود در درس سوم:

آلوده، پیوسته، آفریده

صفت بیانی نسبی موجود در درس سوم:

اجتماعی، سیاسی، مردانه

◀ نکات قلمرو ادبی

متناقض‌نما (پارادوکس / تناقض) موجود در درس سوم:

از این سدّ روان در دیده شاه

ایهام تناسب موجود در درس سوم:

- در آن باران تیر و برق پولاد
برق: (۱) درخشش (۲) برق آسمان (آذرخش) که با باران تناسب دارد.
- ز مستی بر سر هر قطعه زین خاک
خدا داند چه افسرها که رفته!
- بر سر: (۱) به خاطر، برای (۲) بر روی سر که با واژه افسر (تاج و کلاه شاهان) تناسب دارد.

اضافه‌های تشبیهی موجود در درس سوم:

- خوناب شفق
- باران تیر

استعاره (مکنیه) و تشخیص موجود در درس سوم:

- به مغرب سینه مالان قرص خورشید (قرص خورشید): سینه‌مالان رفتن خورشید
- نهان می‌گشت روی روشن روز / به زیر دامن شب در سیاهی (روی روز - دامن شب)
- دامن شام
- دل شب
- بنای زندگی



استعاره‌های موجود در درس سوم:

- فرو می‌ریخت گردی زعفران رنگ: اشعه طلایی خورشید
- در آن دریای خون، در قرص خورشید: غروب خورشید، شفق
- غروب آفتاب خویشتن دید: عمر
- میان شام رستاخیز می‌گشت: میدان نبرد
- در آن دریای خون، در دشت تاریک: میدان نبرد
- ولی چندان که برگ از شاخه می‌ریخت: سرباز - سپاه دشمن
- از این سدّ روان، در دیده شاه ز هر موجی هزاران نیش می‌رفت: رود سند
- رهاند از بند اهریمن، وطن را: دشمن (مغول)

مجازهای موجود در درس سوم:

- به یاری خواهم از آن سوی دریا: رودخانه سند
- به روی نیزه‌ها و نیزه‌داران: سلاح‌ها
- نهان می‌گشت روی روشن روز: آفتاب
- فروغ خرگه خوارزمشاهی: رونق - سلطنت و قدرت پادشاهی
- چه اندیشید آن دم، کس ندانست که مژگانش به خون دیده تر شد: لحظه - دیده
- در آن باران تیر و برق پولاد: شمشیر
- به دنبال سر چنگیز می‌گشت: خود (کل وجود)
- ز رخسارش فرومی‌ریخت اشکی: چشم
- به راه مملکت فرزند و زن را: همه
- رهاند از بند اهریمن، وطن را: اسارت
- چو کشتی بادپا در رود افکند: اسب
- چه بسیار است، آن سرها که رفته: سردار، کل وجود
- به پاس هر وجب خاکی از این ملک: سرزمین، وطن
- ز مستی بر سر هر قطعه زین خاک: غرور، عشق و علاقه
- گرت ز دست برآید چو نخل باش کریم: قدرت، توانایی



کنایه‌های موجود در درس سوم:

مفهوم	کنایه	مفهوم	کنایه
نابود کردن	دمار کشیدن از (دمار از جان این غولان کشم سخت)	مرگ و نابودی	<u>غروب آفتاب</u> خویشتن دید
کشتن	ز تن‌ها سر، ز سرها خود افکند	غم و اندوه	که مژگانش به <u>خون</u> دیده تر شد
مقدار کم	به پاس هر <u>وجب</u> خاکی از این مُلک	کشتن	در آن انبوه، <u>کار</u> مرگ می‌کرد
کشته شدن	رفتن افسر از سر (ز مستی بر سر هر قطعه زین خاک/ خدا داند چه افسرها که رفته!)	زیادی سربازان	دوچندان می‌شکفت و برگ می‌کرد
علاقه‌مندی و وابسته شدن	دل نهادن (به آن چه می‌گذرد دل منه که دجله بسی...)	پیشروی	دل شب می‌درید و <u>پیش می‌رفت</u>
توانایی انجام کار	گرت ز <u>دست برآید</u> چو نخل باش کریم	نااستوار بودن زندگی، نابودی	بنای زندگی بر آب می‌دید
		فکر تازه‌ای نمودن، تصمیم تازه گرفتن	خیال تازه‌ای در خواب می‌دید



درس پنجم: آغازگری تنها

◀ نکات قلمرو زبانی

فعل مجهول موجود در درس پنجم:

- نگاه فزون خواهانه و دهشت بار روس ها به فراتر از این ها، دوخته شده بود.
- اگر بعثی ها می فهمیدند در آسایشگاهی دعا خوانده می شود، همه را زندانی می کردند.

نقش تبعی «بدل» موجود در درس پنجم:

- فرزند دوم خود، عباس میرزا را با اعطای نشان ولایتعهدی ... (بدل)
- تبریز، این شهر کهن، مرکز فرماندهی خط مقدم دفاع در برابر دست درازی های همسایه شمالی ایران یعنی، روسیه بود. (بدل)
- شاه از قدرت همسایه شمالی خود، روسیه، کم و بیش آگاهی داشت. (بدل)
- بر همگان مسلم است که شما جنگاوران سرافراز (بدل)
- و جان فشانی های سربازان فداکار و شما افسران عزیز ... (بدل)

صفت بیانی فاعلی موجود در درس پنجم:

گیرا، پویا، آموزنده

صفت بیانی مفعولی موجود در درس پنجم:

پیشرفته، دوخته، فراگرفته، شکفته، پراکنده، خزان زده، پوشانده، آغشته، زخم خورده، افسارگسیخته

صفت بیانی نسبی موجود در درس پنجم:

غربی، شخصی، شمالی، معنوی، داخلی، صنعتی، نوروژی، جنگی، مشتاقانه، ابزار دهقانی، آتشین، بی باکانه، ملی، خانگی، شجاعانه، مخلصانه، سرزمین مادری، ننگین، عالمانه، عادلانه، شمارشی، ترتیبی، معلمی، کلی، جمعی، روحانی، اصلی، معمولی، انگلیسی، آلمانی، ایتالیایی، آموزشی، خارجی، مذهبی، انقلابی، حماسی کار گروهی / فردی، پرده های نمایشی، آبی، ورزشی، روحی، جسمی

رابطه معنایی واژه های موجود در درس پنجم:

تضمن یا شمول: سلام و مراسم



◀ نکات قلمرو ادبی

اضافه‌های تشبیهی موجود در درس پنجم:

- افق تدبیر
- بار خفت و خوف
- نور امید

استعاره (مکنیه) و تشخیص موجود در درس پنجم:

- پهلوی کشور
- بوی پیشرفت
- چنبره زدن فکر
- سایه وحشت
- شکفته شدن چهره
- نهیب گلوله
- فوران خشم
- فوران آرز
- ناله بردن به وسیله باد
- حریم زندگی
- قفقاز زخم خورده و ستم دیده
- نگاه منتظر و یاری جو
- دویدن شور و هیجان
- تنبل شدن عقربه‌ها
- پوشیدن روح
- مقاومت داشتن روح
- تا روح‌مان در زندان‌های بعثی نیپوسد.

استعاره‌های موجود در درس پنجم:

- چندین بار، خود را بیرون از حصار به صف آتش دشمن زد: میدان جنگ
- و هموطنان و پاره‌های تن خود را در این سال‌ها از دست دادیم: فرزندان و عزیزان
- مردمی که به خانه‌های تاریک و بی‌دریچه عادت کرده‌اند: جهل، جامعه بسته و محدود، ناآگاهی و غفلت
- از پنجره‌های باز و نورگیر، گریزان هستند: آگاهی و پیشرفت، اندیشه و افکار نو و ترقی‌جویانه (= دنیای جدید)، بیداری و شناخت وضع موجود در جامعه

مجازهای موجود در درس پنجم:

- نوجوانی میان‌بالا با بر و بازویی خوش‌تراش و رعنا: اندام
- کسب تاج شاهی و رسیدن به حکومت ولایات به جان هم افتاده، ...: قدرت و سلطنت



- اروپا قدم‌های بزرگی در راه علم و صنعت برداشته، ... وگرنه تیر و کمان با همهٔ زیان‌هایش، دست کم برای تاریخ انسان، کم ضررتر از توپ و تفنگ است: حکومت و مردم اروپا - کلیه لوازم جنگی قدیمی - لوازم جنگی جدید
- دربار از درون در تب و تاب و التهاب بود: افراد دربار
- چهره‌هایی که از خبر حملهٔ روس در هم رفته بود: سپاه روس
- شهر عرصهٔ روز محشر را به خاطر می‌آورد: مردم شهر
- هزاران شجاع گنجه: مردم گنجه
- نگاه منتظر و یاری خویش را به جنوب، ... دوخته بود: چشم
- سرزمین‌های مادری و هم‌وطنان و پاره‌های تن خود را در این سال‌ها ازدست دادیم: فرزندان و عزیزان

کنایه‌های موجود در درس پنجم:

مفهوم	کنایه	مفهوم	کنایه
خائن بودن	خود فروختگی	توانایی و قدرت	بر و بازو داشتن (نوجوانی میان بالا با بر و بازویی خوش‌تراش و رعنا)
امیدوار بودن	نگاه دوختن به ...	تنومند بودن	سینه فراخ بودن
نپذیرفتن خواری و پستی	بار خفت و خوف بر دوش نکشیدن	عبور کردن از چیزی (ترک می‌کرد)	تهران را با هیجان و شور بسیار به مقصد تبریز، پشت سر می‌گذاشت
محروم شدن از ...	پاره‌های تن خود را در این سال‌ها از دست دادیم	تجاوز، بالاتر از حد و حدود خود عمل نمودن.	دست‌درازی نمودن به
کاری به دیگری نداشتن و با خود بودن	سر به کار خود داشتن	به پادشاهی رسیدن	بر تخت نشستن
بیزاری و نفرت	چشمشان را می‌زند	فراوان	یک جهان
یافتن و رسیدن به چیزی	از طریق دو سه نفر از بچه‌ها به آن دست پیدا کردم	جنگ و نزاع	به جان هم افتادن
انجام دادم، استفاده کردم	با شیوه‌ای درست به کار بستم	حمله و نبرد	میدان تاخت‌وتاز
محروم بودم	هیچ متنی در دست نداشتم	پیشرفت قابل ملاحظه	قدم بزرگ برداشتن
حمایت همه‌جانبه	ارادهٔ جمعی پشت این کار بود	مهیا و آماده کردند	نیروی دریایی عظیمی ترتیب دادند
به یادآوردن	به ذهن فشار آوردن	متوجه چیزی شدن	بو به مشام رسید
ابراز علاقه و محبت، تعریف و تمجید	قربان صدقه‌ام می‌رفتند	اقدام به کاری نمودن	قدم برداشتن در کاری
مخالفت نکردن (= تأیید کردن)	من هم نه نمی‌گفتم	کسب محبوبیت و مورد لطف قرار گرفتن	باز کردن جای بیش‌تر در دل



لغابی از تشریفات به رو داشتن	ظاهری آراسته و باطنی شکننده (= تظاهر به نیکویی و ظاهر سازی)	دست و پا شکسته	ناقص و نادرست
چنبره زدن	تسلط	برخورداری از طبع شعر	توانایی سرودن شعر
سایه انداختن	فراگرفتن	جیک هیچ کس در نیامد	سکوت
بریده شدن	محروم ماندن	در غم فرو می برد	غمگین شدن
چشم طمع دوختن به ...	متوقع بودن، میل به تصاحب داشتن	پابرجا	برقرار
شور جنگ و دفاع در دل ها تنوره می کشید	شعله ور می شد	حرف و حدیث به دنبال داشتن	سخن داشتن در آن مورد
چهره درهم رفته بود	ناراحتی	آبی تر بودن از ...	سرزنده، شور و شوق داشتن - آبی تر: آسمانی تر، معنوی (دارای هویت)
دل از ناظران می برد	مشتاق شدن	بی رنگ	بدون طراوت (بدون هویت) یا مردن در بستر مرگ عادی
وامانده ماندن و رفتن	بلا تکلیفی	شیشه بودن	شکنندگی
مثل مور و ملخ در پهنه شهر پراکنده شدند	فراوانی	تا غزل بعد	فصل تازه ای از زندگی
سینه سپر ساختن	مقاومت و جان فشانی	آیه یأس خواندن	ناامیدی
به صف آتش دشمن زدن	حمله کردن	از همه بریده شدن	رها شدن
شمشیر کشیدند	جنگیدند	کورسویی	نور کم - کورسویی از امید در دلشان بود: ناامیدی
به اهتزاز درآمدن پرچم	پیروز شدن	تنبل شدن عقربه ها	گند شدن زمان
بوی خون کسی را بردن	خبر شهادت رساندن	پوسیدن روح	افسرده شدن
حماسه ها آفرید	زیادی کشته شدگان	کم آوردن	توان ادامه نداشتن
سرسپردگی	اطاعت کردن و فرمانبرداری	زیر پا گذاشت	نادیده گرفت، اهمیت نداد
جان تازه گرفت	نیرو و قوت و شاد و سرزنده شدن		



درس ششم: پرورده عشق

◀ نکات قلمرو زبانی

ضمایر شخصی متصل و نقش‌های آن‌ها در درس ششم:

- گو یارب از این گزافکاری توفیق دهم به رستگاری (متمم)
- آزاد کن از بلای عشقم (مفعول)
- پرورده عشق شد سرشتم جز عشق مباد سرنوشتیم (مضاف‌الیه)
- کز عشق به غایتی رسانم (مفعول)

نقش تبعی از نوع «بدل» موجود در درس ششم:

خویشان همه در نیاز با او

نقش‌نمای متمم موجود در درس ششم: «را»ی حرف اضافه (از، به، با، برای، بر)

گفت: فلان پیر از کوه لُکام تو را سلام گفت

صفت بیانی نسبی موجود در درس ششم:

بلاغی، منظومه داستانی، فکری

رابطه معنایی واژه‌های موجود در درس ششم:

- مترادف: محمل و مهد / بازی و گزاف‌کاری
- تناسب: اُشتر و محمل

◀ نکات قلمرو ادبی

ایهام و ایهام تناسب موجود در درس ششم:

- چون رایت عشق آن جهانگیر شد چون مه لیلی آسمان‌گیر
- ایهام تناسب: لیلی: (۱) معشوقه مجنون (۲) لیل: شب که با مه و آسمان تناسب دارد.
- آمد سوی کعبه، سینه پرجوش چون کعبه نهاد حلقه در گوش
- ایهام: حلقه: (۱) حلقه در کعبه (۲) حلقه گوش غلامان / حلقه در گوش بودن کعبه



نکته طلایی

در قدیم، حلقه‌ای را که نشان‌دهنده مالکیت صاحبانشان بود، در گوش داشتند؛ در ضمن، در کعبه، حلقه‌ای داشت که به آن توسل می‌جُستند.

متناقض‌نما (پارادوکس / تناقض) موجود در درس ششم:

عشق‌بازی کار بیکاران بود.



اضافه‌های تشبیهی موجود در درس ششم:

- رایت عشق
- بلای عشق
- حدیث عشق
- شراب عشق

استعاره (مکنیه) و تشخیص موجود در درس ششم:

- برداشته دل ز کار او بخت
- زلف کعبه
- پروردهٔ عشق
- تعمیر دل
- معماران عشق
- یک بار هم ای عشق من، از عقل میندیش
- بگذار که دل حل بکند، مسئله‌ها را

استعاره‌های موجود در درس ششم:

- مه (چون رایت عشق آن جهان گیر / شد چون مه لیلی آسمان گیر): چهره
- در (گفتند به اتفاق یک سر / کز کعبه گشاده گردد این در): مشکل (عشق)
- قصه (می داشت پدر به سوی او گوش / کاین قصه شنید، گشت خاموش): راز و نیاز عاشقانهٔ مجنون با خدا
- ویرانه (از سر تعمیر دل بگذر که معماران عشق / روز اول، رنگ این ویرانه، ویران ریختند): دل

مجازهای موجود در درس ششم:

- حاجت‌گه جملهٔ جهان اوست / محراب زمین و آسمان اوست:
- مردم جهان - کل هستی (همهٔ جهانیان) آسمان: فرشتگان و موجودات آسمانی
- آشتر طلبید و محمل آراست: لوازم سفر
- آمد سوی کعبه، سینه پر جوش: دل
- در حلقهٔ زلف کعبه زد دست: پنجه
- گویند ز عشق کن جدایی: لیلی
- پروردهٔ عشق شد سرشتم: وجود
- از سر تعمیر دل بگذر که معماران عشق: قصد
- مرد باید در میان بازار مشغول تواند بود: انسان



کنایه‌های موجود در درس ششم:

مفهوم	کنایه	مفهوم	کنایه
متوسل شدن	دست در حلقه زدن	مشهور شدن مجنون	جهان‌گیر، آسمان‌گیر (چون رایت عشق آن جهان‌گیر شد / چون مه لیلی آسمان‌گیر)
متوسل شدن	حلقه بر در بودن	بی‌توجهی، ناامیدی	برداشته دل ز کار او بخت
عاشق شد	دانست که دل اسیر دارد	سخن گفتن (نقطهٔ مقابل: زبان درکشیدند: خاموشی و سکوت)	در چاره‌گری زبان کشیدند
سرمرستان بی‌اعتنا به خرد	عشق بازی، کار بیکاران بُود	حل مشکل	در گشادن (کز کعبه گشاده گردد این در)
بنای رنج آوردن	رنگ ویران ریختن	آمادهٔ سفر	اُشتر طلبید و محمل آراست
بی‌اهمیت و بی‌ارزش بودن کار	بس کاری نباشد	پناه بردن و متوسل شدن	چون کعبه نهاد حلقه در گوش
عبادت کردن مداوم	از حق تعالی غایب نشود	عاشق شدن مجنون	گو یا رب از این گزاف‌کاری (= بیهودگی)



درس هفتم: باران محبت

◀ نکات قلمرو زبانی

نمونه‌های کاربرد حرف «را» به عنوان جایگزین کسره اضافه یا «فک اضافه» در درس هفتم:

- جملگی ملایکه را در آن حالت، انگشت در دندان تحیر بمانده
- معذورید که شما را سر و کار با عشق نبوده است.
- آن را هیچ خزانه لایق نیست، الا حضرت ما، یا دلِ آدم.
- خزانگی آن را دلِ آدم لایق بود.
- من نهایت بُعد اختیار کردم، که قُربت را خطر بسیار است.

«را»ی حرف اضافه (از، به، با، برای، بر)، نقش‌نمای متمم موجود در درس هفتم:

- پس جبرئیل را بفرمود.
- میکائیل را فرمود.
- اسرافیل را فرمود.
- عزرائیل را بفرمود (به)
- شما چه دانید که ما را با این مشتی خاک، چه کارها از ازل تا ابد در پیش است؟ (برای)
- اگر ما را آفتی رسد از این شخص (به)
- اگر حق تعالی را با این قالب، سروکاری خواهد بود، در این موضع تواند بود. (برای)

نقش دستوری ضمیر شخصی متصل موجود در درس هفتم:

- یک قطره فروچکید و نامش دل شد (مضاف‌الیه)
- او به هزار دست در دامنش آویزد. (مضاف‌الیه)
- نانم افزود و آبرویم کاست (مضاف‌الیه)
- نیست جانم محرم اسرار دل (مضاف‌الیه)
- آن گفتنت (مضاف‌الیه) که: بیش مرنجانم آرزوست (من را: مفعول)

تمام موارد زیر دارای جابه‌جایی یا جهش ضمیر هستند، که در آن‌ها، نقش ضمیر از نوع مضاف‌الیه است:

- بنمای رخ که باغ و گلستانم آرزوست / بگشای لب که قند فراوانم آرزوست
- چهره مشعشع تابانم آرزوست
- زین هم‌رهان سست عناصرِ دلم گرفت / شیرخدا و رستم دستانم آرزوست
- کز دیو و دد ملولم و انسانم آرزوست
- گفت: آن که یافت می‌نشود آنم آرزوست
- آن آشکار صنعت پنهانم آرزوست



صفت بیانی مفعولی موجود در درس هفتم:

جُسته

صفت بیانی نسبی موجود در درس هفتم:

کبریایی، ابدی، آغازی، پایانی، میانی، جانانه

رابطه معنایی واژه‌های موجود در درس هفتم:

ترادف: اکراه و اجبار - مذلت و خواری

◀ نکات قلمرو ادبی

ایهام موجود در درس هفتم:

پنهان ز دیده‌ها و همه دیده‌ها از اوست آن آشکار صنعت پنهانم آرزوست
دیده: (۱) چشم‌ها (۲) پدیده‌ها و آنچه مادی است و به چشم می‌آید.

اضافه‌های تشبیهی موجود در درس هفتم:

- گنج معرفت
- ابر گرم
- باران محبت
- شب‌نم عشق
- نشتر عشق
- خزاین غیب
- آفتاب نظر
- گوهر محبت

استعاره (مکنیه) و تشخیص موجود در درس هفتم:

- خاک گفت
- خاک سوگند بر داد
- خاک تن در نمی‌دهد
- عشق، حالی دو اسبه آمد
- رگ روح
- در دل

استعاره‌های موجود در درس هفتم:

- تا شما در این آینه نقش‌های بو قلمون بینید: هستی، آفرینش - جلوه‌های گوناگون
- همچنین، هر لحظه از خزاین غیب، گوهری، در نهاد او تعبیه می‌کردند: عشق و محبت
- بگشای لب که قند فراوانم آرزوست: سخنان دلپذیر
- ای آفتاب حسن برون آدمی ز ابر: معشوق (شمس) - موانع (دوری و هجران)
- شیر خدا و رستم دستانم آرزوست: امام علی علیه‌السلام



مجازهای موجود در درس هفتم:

- خانهٔ آب و گل آدم، من می‌سازم: کالبد انسان
- شما چه دانید که ما را با این مشتی خاک، چه کارها از ازل تا ابد در پیش است؟: همه‌وقت
- جمله در آب و گل آدم دفین کرد: وجود
- که در صدف امانت معرفت تعبیه کرده بودند و بر مُلک و ملکوت عرضه داشته: تمام آفرینش
- ابلیس را چون در دل آدم بار ندادند، مردودِ همهٔ جهان گشت: مردم جهان
- تو ز قرآن، ای پسر ظاهر مبین: انسان

کنایه‌های موجود در درس هفتم:

مفهوم	کنایه	مفهوم	کنایه
عاشق	دلی سوخته	مقدار کم/ تن در ندادن خاک: نپذیرفتن	یک مشت خاک
با تمام وجود - متوسل شدن	او به هزار دست در دامنش آویزد	باشتاب، سریع، بدون توقف	دو اسبه می‌آمد
دیدار - سخن گفتن	بنمای رخ که باغ و گلستانم آرزوست بگشای لب که قند فراوانم آرزوست	تعجب بسیار	انگشت تعجب در دندان تحیر
بی‌خیال و بی‌اراده - ناراحت شدن	زین هم‌رهان سست عناصر دلم گرفت	تصرف، قدرت‌نمایی	دست کاری قدرت
		نگاه کردن	نظر گماردن



درس هشتم: درکوی عاشقان

◀ نکات قلمرو زبانی

«را = فک اضافه» نقش‌نمای اضافی یا مضاف‌الیهی موجود در درس هشتم:

گمان مبر، که مرا درد این جهان باشد

«را = حرف اضافه = از، به، با، برای، بر» نقش‌نمای متمم موجود در درس هشتم:

- ما به فلک می‌رویم، عزم تماشا که راست؟
- دردی است غیر مردن، کان را دوا نباشد.
- تا از حکایت‌های شیخ ما، او را چیزی می‌نوشتیم.

فعل مجهول موجود در درس هشتم:

شاگردان به مولانا این‌گونه خبر دادند که شمس کشته شد.

نقش تبعی از نوع «بدل» موجود در درس هشتم:

- محمد، ملقب به جلال‌الدین، مشهور به مولانا یا مولوی...
- پدر جلال‌الدین، محمدبن حسن خطیبی، معروف به بهاء‌الدین ولد...
- سلطان ولد، فرزند مولانا، هر دم بی‌تابانه به بالین پدر می‌آمد.
- خادم خاص شیخ ما، ابوسعید - قدس‌الله روحه‌العزیز - بود.

صفت بیانی فاعلی موجود در درس هشتم:

نگران، رها

صفت بیانی مفعولی موجود در درس هشتم:

شمرده، گشته، ستوده، بنشانده

صفت بیانی نسبی موجود در درس هشتم:

طولانی، هجری، الهی، عاشقانه، زرین، بی‌تابانه، تبعی

رابطه معنایی واژه‌های موجود در درس هشتم:

- تضاد: مراد یا پیر و مرید یا سالک
- مترادف: مریدان و شاگردان، تقوا و زهد، مرشد و مراد، مراد و پیر، افغان و زاری، کوی و برزن و محله، بردباری و تحمل

نقش دستوری «ضمیر شخصی متصل» موجود در درس هشتم:

- جلال‌الدین در این ایام، پنج شش ساله بود که خاندانش، ... (مضاف‌الیه)
- و شاگردان و پیروان بسیاری از حضورش بهره می‌بردند. (مضاف‌الیه)



- او همان پیر و مرشدی است که سال‌ها در جست‌وجویش بود. (مضاف‌الیه)
- مولانا عذرشان را پذیرفت و ... (مضاف‌الیه)
- ولی دلش بر درستی این خبر گواهی نمی‌داد. (مضاف‌الیه)
- چرا به دانهٔ انسانیت این گمان باشد؟ (جهش ضمیر؛ انسانیت: متمم)

◀ نکات قلمرو ادبی

ایهام موجود در درس هشتم:

- رو سر بنه به بالین، تنها مرا رها کن / ترک من خراب شبگرد مبتلا کن
خراب: (۱) مست (۲) عاشق و به‌هم‌ریخته

اضافه‌های تشبیهی موجود در درس هشتم:

- خورشید عمر
- دانهٔ انسان

اضافهٔ استعاری (استعاره و تشخیص) موجود در درس هشتم:

- آواز عشق
- غرق شدن در معارف (مولانا آن‌چنان در معارف شمس، غرق شد که مریدان خود را از یاد برد).

استعاره‌های موجود در درس هشتم:

- زود باشد که این پسر تو، آتش در سوختگان عالم زند: عشق - عاشقان
- به من آورید آخر، صنم گریزپا را: معشوق زیبارو
- به ترانه‌های شیرین، به بهانه‌های زرین / بکشید سوی خانه، مه خوب خوش‌لقا را: یار
- دردی است غیر مردن، کان را دوا نباشد / پس من چگونه گویم، کاین درد را دوا کن:
عشق
- برای من مگری و مگو دریغ! دریغ! / به دام دیو درآفتی، دریغ آن باشد: هوس و یا
شیطان
- چنین قفس نه سزای چو من خوش‌الحانی است / روم به گلشن رضوان که مرغ آن
چمنم: دنیا

مجازهای موجود در درس هشتم:

- از یاد آنان دلش آرام نبوده است: کل وجود
- بکشید سوی خانه مه خوب خوش‌لقا را: قونیه
- اگر او به وعده گوید که دمی دگر بیایم: لحظه و زمانی دیگر
- شب و روز از شدت بی‌قراری، بی‌تابی می‌کرد و شعر می‌سرود: همه حال
- هر نفس آواز عشق می‌رسد از چپ و راست / ما به فلک می‌رویم عزم تماشا که راست:
لحظه - همه‌جا، تمام جهان هستی - عالم بالا
- باز همان جا رویم، جمله که آن شهر ماست: سرزمین



- ترک من خراب شبگرد مبتلا کن: رند و بی‌باک
- با دست اشارتم کرد که عزم سوی ما کن: انگشت
- اهل قونیه، از خُرد و بزرگ، در تشییع مولانا و خاکسپاری حاضر شدند: همه
- به روز مرگ چو تابوت من روان باشد: جنازه

کنایه‌های موجود در درس هشتم:

مفهوم	کنایه	مفهوم	کنایه
قطع امید نمودن از	دل برگندن از	ترک کرد	جلال‌الدین در این ایام ... شهر و بلخ و خویشان را بدرود گفت
ارزشمند بودن جایگاه انسان	یار ملک بوده‌ایم	شیفته و بی‌قرار کند	آتش در سوختگان عالم زند
خوابیدن	رو سر بنه به بالین	زندگی کرد	مدتی در آن نواحی به سر برد
مردن	روان بودن تابوت	دوری گزیدن از مردم یا قطع رابطه نمودن	در خانه بستن بر... (در خانه بر آشنا و بیگانه بست)
غمگین بودن دربارهٔ امور دنیوی	درد جهان داشتن	توجه بسیار	غرق شدن در... (مولانا آن چنان در معارف شمس، غرق شد)
فریب کسی را خوردن، اشتباه کردن	به دام دیو درافتادن	فراری بودن	گریزپا بودن
		ناراحتی فراوان	به خشم آمدند



درس نهم: ذوق لطیف

◀ نکات قلمرو زبانی

نقش تبعی از نوع «بدل» موجود در درس نهم:

- او و مادرم، هر دو، آن‌ها را از مادر بزرگشان به یاد داشتند.
- از این مادر بزرگ (مادر پدر) زیاد حرف می‌زدند.
- این شیخ همیشه شاب، پیرترین و جوان‌ترین شاعر زبان فارسی، معلم اول که هم هیبت یک آموزگار را دارد و...
- نوکر شما، حسین...

صفت بیانی فاعلی موجود در درس نهم:

گذرا، آموزگار، پرستار، گویا

صفت بیانی مفعولی موجود در درس نهم:

افکنده، سال خورده، چیده

صفت بیانی نسبی موجود در درس نهم:

عصبی، درویشانه، اندرزی، تمثیلی، جادوگرانه، فکری، ناشیانه، هنرمندانه، طوفانی، بهاری، پیشین، طلایی، روستایی، مادی، امروزی

صفت بیانی لیاقت موجود در درس نهم:

پذیرفتنی

رابطه معنایی واژه‌های موجود در درس نهم:

- تضمّن یا شمول: اتاق و خانه - معنی و کلام
- تضاد: شرع «شریعت» و طریقت و عرفان

◀ نکات قلمرو ادبی

ایهام تناسب موجود در درس نهم:

- کنار نام تو لنگر گرفت کشتی عشق / بیا که یاد تو آرامشی است طوفانی
- کنار: (۱) پهلوی (۲) ساحل که با کشتی و لنگر تناسب دارد.
- آن‌گاه پنج دست چابک، برگ‌های شکوفه را کردند و هریک برگ خود را در میان دفتر خود گذاشت.
- برگ: (۱) برگ درخت (۲) ورق که با دفتر تناسب دارد.



متناقض نما (پارادوکس / تناقض) موجود در درس نهم:

- سهل ممتنع (خصوصیت سعدی است که سخنش به سخن همه شبیه باشد و به هیچ کس شبیه نباشد. در زبان فارسی، احدی نتوانسته است مانند او حرف بزند و در عین حال، نظیر حرف زدن او را هر روز در هر کوچه و بازار می شنویم).
- حاضرِ غایب (هرگز وجود حاضرِ غایب شنیده‌ای / من در میان جمع و دلم جای دیگر است)
- آرامشی طوفانی (کنار نام تو لنگر گرفت کشتی عشق / بیا که یاد تو آرامشی است طوفانی)
- شیخ شاب
- ای حقیقی‌ترین مجاز، ای عشق!
- زبان بی‌زبانی

اضافه‌های تشبیهی موجود در درس نهم:

- دایرهٔ مسائل
- سراچهٔ ذهن
- کشتی عشق

استعاره (مکنیه) و تشخیص موجود در درس نهم:

- روی زندگی
- گویا و زنده بودن تصویر
- فوران تخیل
- پرتوقع شدن ذوق ادبی
- ای حقیقی‌ترین مجاز، ای عشق
- گریبان افق
- خندیدن آسمان
- سرمست بودن گل‌ها
- رقصیدن چلچله
- خوشبختانه دامنهٔ کلام و معنی به قدر کافی وسعت داشت (کلام و معنی: مشبه / کوه و صحرا: مشبه‌به محذوف / دامنه: وجه شبه یا از ویژگی‌های مشبه‌به محذوف)

استعاره‌های موجود در درس نهم:

- هیچ حفره‌ای از حفره‌های زندگی ایرانی نیست که از جانب او شناخته نباشد...: امر جزئی
- هر دو چنان بودیم که گویی در پالیز سعدی می‌چریدیم؛ از بوته‌ای به بوته‌ای و از شاخی به شاخی: آثار - حکایت و شعر - بیت و جمله
- به حرص ار شربتی خوردم مگیر از من که بد کردم / بیابان بود و تابستان و آب سرد و استسقا: خوشی زندگی (گناه)



- و گونه گل‌های بنفشه را درافشان ساخته بود: قطرات باران
- به پاکی قاصد بی‌گناه بهار و به طهارت این دوشیزه سفیدروی بوستان، سوگند ... اگر تندبادی ما را از هم جدا کرد،...: باد - شکوفه سیب - حوادث ناگوار روزگار

مجازهای موجود در درس نهم:

- تحفه برخورد فرهنگ شرق با غرب است: مردم شرق (= مردم جهان سوم) - مردم غرب (= مردم اروپا)
- هر عصب و فکر به منبع بی‌شائبه ایمان وصل بود که خوب و بد را به‌عنوان مشیت الهی می‌پذیرفت: روان و اندیشه - عیب و بدی در چیزی - همه چیز
- و از دایره مسائل روزمره و مذهبیات خارج نمی‌شد: محدوده
- نخستین بار از زبان خاله و گاهی هم مادرم بود...: سخن
- این سعدی همدم و شوهر و غم‌گسار او بود: کلیات سعدی
- سعدی که انعطاف جادوگرانه‌ای دارد...: آثار سعدی
- من در آن اتاق کوچک و تاریک با او (= سعدی) آشنا شدم: آثار سعدی
- پس از خواندن سعدی، وقتی از خانه خاله‌ام به خانه خودمان بازمی‌گشتم: آثار سعدی
- من در میان جمع و دلم جای دیگر است: حواس
- از هر در سخنی در میان آوردیم: موضوع
- و با نان اندک بسازم و در پی شهرت ادبی بروم: درآمد

کنایه‌های موجود در درس نهم:

مفهوم	کنایه	مفهوم	کنایه
به اوج رسیدن	بر سکوی بلندی قرار دادن	اقامت دائمی، مستقر شدن در جایی	گاهی در کبوده، نمی‌دانست در کجا ریشه بدواند
براساس آموخته‌های محدود به نخستین تجربه‌های ادبی و نویسندگی اقدام کردن	در کورمال کورمال ادبی آغاز به رفتن کردن	بی‌علاقگی	به این زندگی گذران آن قدرها دل نمی‌بست
ارتکاب جرم (در اینجا، از دیدگاه نویسنده: «آغاز نویسندگی، به خود جرئت دادن و نوشتن»)	به حرص ار شربتی خوردم مگیر از من که بد کردم	ناگواری و سختی‌ها (= تمثیل به سکه دو رو)	زشت شدن روی دیگر زندگی
وجود شرایط نامساعد	بیابان بود و تابستان و آب سرد و استسقا	بی‌نشاط، جدی	خشک و کم‌سخن بودن
آرام گرفتن	کنار نام تو لنگر گرفت کشتی عشق	تمام فکرش امور شرعی بود	از مذهبیات خارج نمی‌شد
خوش‌سخن	عندلیب انجمن اُنس ما محسوب می‌شد	خیال‌انگیز بودن داستان‌ها	به عالم افسانه‌ها، که آن همه پیرنگ و نگار و آن همه یزان و نرم است



پسر روستایی	فرزندِ صحرا که هیچ وقت با ساکنین شهر مکالمه نکرده بود.	اجازهٔ ورود	راه پیدا کردم
اضطراب، شتابزدگی	دست و پای خویش را گم کرد	متناسب با درک هر سنی سخن گفتن	بروز دادن آثار نرمی و انعطاف
خوشحال کردن	کامش را شیرین کنیم و چنین کردیم	راضی شدن	عکس‌ها را می‌دیدم. لبریز می‌شدم
کم‌سن و سال	طفل و نارسیده	گنجایش پیدا کردن	سراچهٔ ذهنم آماس می‌کرد
حفظ کردن دوستی	جانب دوستی نگاه داشتن	غلبه بر احساسات و بی‌تعادل شدن	قوز کردن و لُگه دویدن
پیری	موی ما کافوری شود	سرمستی از زیبایی هنر	از فرط هیجان، لُگه می‌دویدم
		بهره‌مندی از اندیشهٔ سعدی	چریدن در پالیز سعدی



درس دهم: بانگ جزس

◀ نکات قلمرو زبانی

نمونه‌های کاربرد حرف «را» به‌عنوان جایگزین کسرهٔ اضافه یا «فک اضافه» در درس دهم:

- ای مرغ سحر عشق ز پروانه بیاموز / کان سوخته را جان شد و آواز نیامد
- و صبح روشن آزادی را به تماشا ایستادیم

صفت بیانی مفعولی موجود در درس دهم:

- رسته

◀ نکات قلمرو ادبی

ایهام تناسب موجود در درس دهم:

- یعنی، کلیم آهنگ جان سامری کرد / ای یاوران، باید ولی را یآوری کرد
ولی: (۱) رهبر (۲) یاور، دوست که با یآوری و یاوران تناسب دارد.
- ای کعبه به داغ ماتمت نیلی‌پوش / وز تشنگیات، فرات در جوش و خروش
نیلی: (۱) به رنگ کبود و آبی تیره (۲) نیل که با فرات تناسب دارد.

متناقض‌نما (پارادوکس / تناقض) موجود در درس دهم:

- سایهٔ خورشید

اضافه‌های تشبیهی موجود در درس دهم:

- سدّ خار و خاره
- دریا دل (تشبیه درون‌واژه)
- کلاف ابرها
- بار رحمت
- صبح آزادی

استعاره (مکنیه) و تشخیص موجود در درس دهم:

- باریدن تیغ ← گر تیغ بارد، گو ببارد، جان سپرکن: [به] تیغ بگو
- ای کعبه به داغ ماتمت نیلی‌پوش / وز تشنگیات، فرات در جوش و خروش (توجه: کعبه و فرات تشخیص دارد)
- دف زدن آسمان / بام جهان / ایستادن و کل کشیدن خورشید / تولد جمهوری
- فرود آمدن ۲۲ بهمن / یال کوه / لبخند زدن جلوه‌هایی از تقدیر



مجازهای موجود در درس دهم:

- گاه سفر آمد برادر، ره دراز است: سفر
- تخت و نگین از دست اهریمن بگیرید: انگشتر
- هامون اگر دریا شود از خون، بتازید: فلسطین
- جانان من، اندوه لبنان کشت ما را / بشکست داغ دیر یاسین پشت ما را: مردم لبنان
- مردم دیر یاسین
- باید به مژگان رُفت گرد از طور سینین: سرزمین فلسطین

استعاره‌های موجود در درس دهم:

- دل بر عبور سدّ خار و خاره بندیم: موانع و مشکلات راه، موانع سخت
- تا بوسه‌گاه وادی ایمن برانیم: سرزمین فلسطین
- وادی پر از فرعونیان و قبطیان است / موسی جلودار است و نیل اندر میان است: سرزمین فلسطین - حامیان صهیونیست‌ها - دشمنان فلسطین و امام خمینی - امام خمینی - موانع و مشکلات در راه نجات فلسطینیان
- تنگ است ما را خانه تنگ است ای برادر: قدس
- فرمان رسید این خانه از دشمن بگیرید / تخت و نگین از دست اهریمن بگیرید: قدس - فلسطین - اسرائیل
- یعنی، کلیم آهنگ جان سامری کرد: امام خمینی - غاصبان (اسرائیل) = مایه کفر و گمراهی
- حکم جلودار است بر هامون بتازید: رهبر (امام خمینی) - فلسطین
- جانان من، برخیز و بشنو بانگ چاووش: رهبر (امام خمینی)
- جز تو که فرات، رَشحه‌ای از یمِ توس: معرفت وجودی و جوانمردی ابوالفضل علیه‌السلام
- آسمان با هفت دست، گرم و پنهانی دف می‌زد: هفت سیاره، تمام گستره آسمان
- در محوطه آفتابی انقلابی، ابدی شد و ما در سایه خورشیدی‌ترین مرد قرن به بار عام رحمت الهی راه یافتیم: شور و هیجان - امام خمینی

کنایه‌های موجود در درس دهم:

مفهوم	کنایه	مفهوم	کنایه
ناتوان و اندوهگین نمودن	پشت «کمر» ما را شکست (بشکست داغ دیر یاسین پشت ما را)	برگ سفر بستن: آماده حرکت شدن - دل به کاری (عبور) بستن: قصد انجام کاری داشتن	وقت است تا برگ سفر بر باره بندیم دل بر عبور از سدّ خار و خاره بندیم
احیا کردن و مرمت کردن مکانی با جان و دل = عزیز داشتن	باید به مژگان رُفت گرد از طور سینین	کوچ کردن (در حال حرکت بودن) - اعلام حرکت	از هر کران بانگ رحیل آید به گوشم بانگ از جرس برخاست، وای من خموشم
فرماندهی سپاه را بر عهده گرفتن، آماده حرکت و مبارزه شدن	آنک امام ما علّم بگرفته بر دوش	آماده حرکت و هجوم شدن	پا در رکاب راهوار خویش دارند



شادی برقرار نمودن	دف زدن	حرکت نمودن	گاه سفر شد <u>باره</u> بر <u>دامن</u> برانیم
فریاد شادی برآوردن	کل کشیدن	قصد نابود کردن ...	یعنی، کلیم <u>آهنگ جان</u> <u>سامری</u> کرد
اجازه ورود	به بار عام رحمت الهی راه یافتیم	قصد حرکت داشتن	جانان من، برخیز و <u>آهنگ</u> سفر کن



درس یازدهم: یاران عشق

◀ نکات قلمرو زبانی

«را»ی حرف اضافه (از، به، با، برای، بر)، نقش‌نمای متمم موجود در درس یازدهم:

- که آلاها را حمایت کنیم (از)
- ای داور زمانه، ملوک زمانه را (برای)

صفت بیانی نسبی موجود در درس یازدهم:

- خونین، جانانه، دیرینه

نقش دستوری ضمیر شخصی پیوسته (متصل) موجود در درس یازدهم:

- از آن‌ها که خورشید فریادشان / دمید از گلوی سحرزادشان (مضاف‌الیه)
- خموشند و فریادشان تا خداست (مضاف‌الیه)
- آن‌که در دستش کلید شهر پرآینه دارد (مضاف‌الیه)

◀ نکات قلمرو ادبی

ایهام موجود در درس یازدهم:

- در هوای عاشقان پر می‌کشد با بی‌قراری / آن کبوتر چاهی زخمی، که او در سینه دارد
هوا: (۱) امید و آرزو (۲) جو

متناقض‌نما (پارادوکس / تناقض) موجود در درس یازدهم:

- به رقصی که بی‌پا و سر می‌کنند
- بزن زخم، این، مرهم عاشق است
- خموشند و فریادشان تا خداست
- پرواز شدند و پر گشودند به عرش / هرچند که دست بسته بودند آن‌ها (دست بسته پر گشودند)
- بی‌تو حتی مهربانی حالتی از کینه دارد

اضافه‌های تشبیهی موجود در درس یازدهم:

- خورشید فریاد
- دف عشق
- نغمهٔ عشق
- زخم انکار
- چنبر نفس
- قفل تیرگی



استعاره (مکنیه) و تشخیص موجود در درس یازدهم:

- فریاد لاله
- بیعت کردن با گل لاله
- عشق اما کی خبر از شنبه و آدینه دارد / عشق با آزار، خویشاوندی دیرینه دارد
- ای مرغ سحر، عشق ز پروانه بیاموز

استعاره‌های موجود در درس یازدهم:

- هلا منکر جان و جانان ما: یار
- بین لاله‌هایی که در باغ ماست: شهدا - سرزمین
- از چنبر نفس، رسته بودند آن‌ها / بت‌ها همه را شکسته بودند آن‌ها: وابستگی درونی
- جغد بر ویرانه می‌خواند به انکار تو اما / خاک این ویرانه‌ها، بویی از آن گنجینه دارد: ملامت‌گویان و انکارکنندگان ظهور - جهان
- ناگهان قفل بزرگ تیرگی را می‌گشاید / آن‌که در دستش کلید شهر پرآینه دارد: ظلم و ستم - دل زلال منتظران مهدی علیه‌السلام

مجازهای موجود در درس یازدهم:

- دمید از گلوی سحرزادشان: دهان
- دف عشق با دست خون می‌زدند: شهادت
- پرواز شدند و پرگشودند به عرش: پرنده
- صبح بی‌تو رنگ بعدازظهر یک آدینه دارد: جلوه
- عشق اما کی خبر از شنبه و آدینه دارد: تمام ایام هفته
- خاک این ویرانه‌ها، بویی از آن گنجینه دارد: سرزمین
- آن کبوتر چاهی زخمی که او در سینه دارد: دل
- کان سوخته را جان شد و آواز نیامد: کل وجود

کنایه‌های موجود در درس یازدهم:

مفهوم	کنایه	مفهوم	کنایه
دوری نکردن	چه از تیر و چه از تیغ، شما <u>روی</u> نتابید	ترس از خطر نداشتن، شجاعت	سفر بر مدار خطر کرده‌اند
ترک تعلقات مادی	از چنبر نفس رسته بودند آن‌ها	شادی	چرخ می‌زنند (چه جانانه چرخ جنون می‌زنند)
پیروزی بر هوی و هوس (= جهاد اکبر)	بت‌ها همه را شکسته بودند آن‌ها	شروع به خواندن	چنین نغمهٔ عشق، <u>سر می‌کنند</u>
شوق فراوان - آزرده	در هوای عاشقان <u>پیر می‌کشد</u> با بی‌قراری / آن کبوتر چاهی <u>زخمی</u> که او در سینه دارد	نابودی یا رنج بسیار	<u>مگو سوخت جان</u> من از فرط عشق
حل مشکل	گشودن قفل (ناگهان قفل بزرگ تیرگی را می‌گشاید)	بیماری	دشمن آینه باشد <u>روی زرد</u>



درس دوازدهم: کاوه دادخواه

◀ نکات قلمرو زبانی

نمونه‌های کاربرد حرف «را» به‌عنوان جایگزین کسرهٔ اضافه یا «فک اضافه» در درس دوازدهم:

- جهان را سراسر، سوی داد خواند (سراسر جهان)
- جهان‌آفرین را به دل دشمن است (دشمنِ جهان‌آفرین)

«را»ی حرف اضافه (از، به، با، برای، بر)، نقش‌نمای متمم موجود در درس دوازدهم:

- مرا در نهانی یکی دشمن است (برای)
- اگر (که گر) هفت کشور به شاهی تو راست (برای)
- که مارانت را مغز فرزند من (به)
- بفرمود پس کاوه را پادشا (به)

نقش ضمیر شخصی متصل موجود در درس دوازدهم:

- ابلیس با موافقت او، پدرش، مرداس، را که (مضاف‌الیه)
- و جانشان را می‌گیرند (مضاف‌الیه)
- و مغز سرش را به ماران می‌دهند. (مضاف‌الیه)
- سر و کارش با آهن است و رنج و زحمت (مضاف‌الیه)
- ز شاه آتش آید همی بر سرم (مضاف‌الیه)
- که مارانت را مغز فرزند من (مضاف‌الیه)
- شگفت آمدش کان سخن‌ها شنید (ش: متمم)
- چو برخواند کاوه، همه محضرش / سبک سوی پیران آن کشورش (مضاف‌الیه)
- بدیدنش آنجا و برخاست غو (او را - ش: مفعول)
- فریدون با لشکری از مردم شهر که به یاری‌اش آمده بودند... (مضاف‌الیه)
- بزد بر سرش، ترگ بشکست خُرد (مضاف‌الیه)
- که هنوز مرگش فرا نرسیده است (مضاف‌الیه)
- در غاری که بُنش ناپدید بود، سرنگون آویخت. (مضاف‌الیه)
- گشتی گیر پایش بگرفت و سرش بر زمین محکم زد. (مضاف‌الیه)

نقش تبعی از نوع «بدل» موجود در درس دوازدهم:

- ابلیس با موافقت او، پدرش، مرداس را که مردی پاکدین بود، از پا درآورد...
- پدر او، آبتین که ناگزیر از بیم ضحاک ترسان و گریزان است...
- مادر فریدون، فرانک، پسر را به البرز کوه می‌برد.



صفت بیانی فاعلی موجود در درس دوازدهم:

ستمگر، خورشگر، مرد جنگی، آهنگر، ترسان، گریزان، لرزان، خروشان، دانا

صفت بیانی مفعولی موجود در درس دوازدهم:

زاده

صفت بیانی نسبی موجود در درس دوازدهم:

حماسی، چرمین، شیطانی، حیوانی، سیاسی، فرهنگی، کاویان

رابطه معنایی واژه‌های موجود در درس دوازدهم:

- تضاد: راستی و گزند / خوار و ارجمند
- مترادف: دژم و ژیان

◀ نکات قلمرو ادبی

متناقض‌نما (پارادوکس / تناقض) موجود در درس دوازدهم:

فردوسی تصویری از آن روزهای سیاه را هرچه گویاتر نشان داده است.

ایهام - ایهام تناسب موجود در درس دوازدهم:

- نهان گشت کردار فرزندگان / پراگنده شد کام دیوانگان
- دیوانگان: (۱) دیوصفتان (۲) بی‌عقلان
- کشتی‌گیری بود که در زورآزمایی شهره بود؛ بدر در میدان او، هلالی بودی و رستم به دستان او، زالی.
- دستان: (۱) دست‌ها (۲) نام پدر رستم که با رستم و زال تناسب دارد.

تشبیه موجود در درس دوازدهم:

- تخم نیکی
- اژدهاپیکر (تشبیه درون‌واژه‌ای)

استعاره (مکنیه) و تشخیص موجود در درس دوازدهم:

- پای گردون
- حسرت روزگار

استعاره‌های موجود در درس دوازدهم:

- اژدها (بدان محضر اژدها ناگزیر: ضحاک)
- آتش (ز شاه آتش آید همی بر سرم): ظلم و ستم
- دیو (خروشید کای پایمردان دیو): ضحاک

مجازهای موجود در درس دوازدهم:

- ناچار موبدان و خردمندان را به مشورت می‌خواند: دانشمند، دانا
- چو ضحاک شد بر جهان شهریار: مردم جهان
- چنان بُد که ضحاک را روز و شب: همه حال



- از آن پس چنین گفت با موبدان: دانا، دانشمند
- که جز تخم نیکی، سپهد نکشت: ضحاک
- گواهی نوشتند برنا و پیر: همه
- ز شاه آتش آید همی بر سرم: کل وجود
- اگر هفت کشور به شاهی تو راست: تمام جهان
- سبک سوی پیران آن کشورش: بزرگان
- بدان تا جهان ماند اندر شگفت: مردم جهان
- بر او انجمن گشت بازارگاه: اهل بازار
- جهان را سراسر سوی داد خواند: مردم جهان
- از آن چرم کاهنگران پشت پای: پیش‌بند
- دل از بند ضحاک بیرون کند: اسارت
- جهانی بر او انجمن شد نه خُرد: مردم جهان
- فریدون چو گیتی بر آن گونه دید: گردش روزگار
- سری پر ز کینه دلی پر ز داد: اندیشه - کل وجود
- کشتی‌گیری بود که در زورآزمایی شهره بود؛ بدر در میدان او، هلالی بودی: تنومندی، قوی هیکل - لاغر و میان‌تهی
- ناگاه مردی از کناره‌ای درآمد و نبرد خواست: حریف

کنایه‌های موجود در درس دوازدهم:

مفهوم	کنایه	مفهوم	کنایه
یاری خواستن	همی برخوردید و <u>فریاد خواند</u>	کشتن، نابودی	که مردی پاک‌دین بود، از <u>پا درمی‌آورد</u>
قیام مردم، شورش و غوغایی برپا شد	همان‌گه ز بازار برخاست گرد	شدت ناراحتی	<u>وی</u> از بیم <u>بر خود می‌پیچید</u>
حمایت و طرفداری	کسی کاو هوای فریدون کند	دوران اختناق	فردوسی تصویری از آن <u>روزهای سیاه</u> را هرچه گویاتر نشان داده است
نافرمانی و آزاد شدن از اسارت	دل از بند ضحاک بیرون کند	از رونق افتادن	نهان گشت کردار فرزندانگان
طی کردن ادامه مسیر	<u>سر اندر کشید</u> و همی رفت راست	خوار شدن	به تنگی فرازکشیدن
فریدون	بیامد به درگاه <u>سالار نو</u>	سخن بر زبان آوردن	به نام فریدون <u>گشادی دو لب</u>
شکست ضحاک یا آگاه شدن از سرنگونی ضحاک	جهان پیش ضحاک وارونه دید	موفقیت در پادشاهی خود (رهایی از سختی)	که در پادشاهی کند پشت راست
سریع	همی رفت منزل به منزل چو باد	عمل نیک انجام دادن	تخم نیکی کاشتن



نجات یافتند	ز نیرنگ ضحاک بیرون شدند	موافق	بر آن کار گشتند همداستان
آماده برای حمله	دست به گرز گاوسر برد	ناراحتی یا نشانه شکایت	خروشید و زد دست بر سر ز شاه
جنگیدن - توجه کردن	به میدان بودن - روی آوردن (تو یک ساعت چو افریدون به میدان باش، تا زان پس به هر جانب که روی آری، درفش کاویان بینی)	شدت ستم	ز شاه آتش آید همی بر سرم
ضحاک	بدو گفت مهتر به روی دژم	حساب پس دادن	شماریت با من ببايد گرفت
قدرت بسیار زیاد - قهرمان	بدر در میدان او هلالی بود و رستم به دستان او زالی	دلجویی کردن از ...	به خوبی بجستند پیوند او
اقدام به کاری	با جوانان چو دست بگشادی	بی توجه بودن، بی اعتنایی	پریده دل از ترس گیهان خدیو
غلبه کردن بر...	پای گردون پیر بربستی	عمل ناشایست انجام دادن	همه سوی دوزخ نهادید روی
حریف طلبید	ناگاه مردی از کناره‌ای درآمد و نبرد خواست	توجه و پذیرفتن	سپردید دل‌ها به گفتار اوی
شکست دادن حریف	سرش بر زمین محکم زد	خشم	خروشید و برجست لرزان ز جای



درس چهاردهم: حمله حیدری

◀ نکات قلمرو زبانی

نمونه‌های کاربرد حرف «را» به عنوان جایگزین کسره اضافه یا «فک اضافه» در درس چهاردهم:

- نشد هیچ کس را هوس، رزم او (هوس هیچ کس)
- مرا اوج عزت در افلاک توست (اوج عزت من)

نقش تبعی از نوع «بدل» موجود در درس چهاردهم:

- که ناگاه عمرو، آن سپهر نبرد
- شجاع غضنفر، وصی نبی / نهنگ یم قدرت حق، علی

صفت بیانی مفعولی موجود در درس چهاردهم:

- گشوده، آغشته

صفت بیانی نسبی موجود در درس چهاردهم:

- آهین

نقش دستوری ضمیر شخصی متصل موجود در درس چهاردهم:

- در همه نمونه‌ها، ضمیر در نقش دستوری مضاف‌الیه به کار رفته است.
- به پیشش برآمد شه جنگ جو
- که شد ساخته کارش از زهر چشم
- غضنفر بزد تیغ بر گردنش / درآورد از پای، بی سر تنش
- دم تیغ بر گردنش چون رسید / سر عمرو صدگام از تن پرید
- در زمان انداخت شمشیر آن علی / کرد او اندر غزایش کاهلی
- ز نیروی شیران بود گوهرم

◀ نکات قلمرو ادبی

حسن تعلیل موجود در درس چهاردهم:

- فلک باخت از سهم آن جنگ رنگ / بود سهمگین جنگ شیر و پلنگ
- تیرگی آسمان به جهت ترسیدن از نبرد امام علی علیه السلام و عمروبن عبدود

ایهام تناسب موجود در درس چهاردهم:

- فلک باخت از سهم آن جنگ رنگ / بود سهمگین جنگ شیر و پلنگ
- سهم: (۱) ترس (۲) تیر که با جنگ تناسب دارد.



اضافه‌های تشبیهی موجود در درس چهاردهم:

- شاهد آرزو / یم قدرت حق

استعاره (مکنیه) و تشخیص موجود در درس چهاردهم:

- به جز بازوی دین و شیر خدا (بازوی دین)
- در صلح بستند بر روی هم (در صلح)
- رنگ باختن فلک (باخت از سهم آن جنگ، رنگ / بود سهمگین جنگ شیر و پلنگ)
- که کم دیده باشد زمین و زمان (دیدن زمین و زمان)
- رخ کفر - تپیدن بت‌خانه‌ها (پريد از رخ کفر در هند رنگ / تپیدند بت‌خانه‌ها در فرنگ)

استعاره‌های موجود در درس چهاردهم:

- چو آن آهنین کوه آمد به دشت / همه رزمگه کوه فولاد گشت: عمرو
- به جز بازوی دین و شیر خدا / که شد طالب رزم آن اژدها: امام علی (ع) - امام علی (ع) عمرو
- به سوی هُزبرِ ژیان کرد رو / به پیشش برآمد شه جنگ‌جو: امام علی علیه‌السلام
- سپر بر سر آورد شیر اله / علم کرد شمشیر آن اژدها: علی (ع) - عمرو
- شجاع غضنفر، وصی نبی: امام علی (ع)
- بینداخت شمشیر را شاه دین: امام علی (ع)
- چو شیر خدا راند بر خصم تیغ: امام علی (ع)
- غضنفر بزد تیغ بر گردنش: امام علی (ع)
- چو غلتید در خاک آن ژنده‌فیل: عمرو
- شیر حق را دان منزّه از دغل: امام علی علیه‌السلام
- ز نیروی شیران بُود گوهرم: دلیران

مجازهای موجود در درس چهاردهم:

- دلیران میدان گشوده نظر / که بر کینه اول که بندد کمر: چشم - جنگ
- چو آن آهنین کوه آمد به دشت: میدان نبرد
- بیامد به دشت و نفس کرد راست: میدان نبرد
- برافراخت بازو چو شاخ درخت: دست
- نهادند آوردگاهی چنان / که کم دیده باشد زمین و زمان: اهل زمین و اهل زمان (= کل هستی)
- تن هر دو شد از نظر ناپدید: چشم
- سر و روی مردان پر از گرد و خاک: کل وجود
- چنین آن دو ماهر در آداب حرب: شمشیر، خنجر، نیزه
- که شد ساخته کارش از زهر چشم: نگاه
- برافراخت پس دست خیبرگشا / پی سر بریدن بیفشرد پا: در قلعه خیبر - گردن



- چو شیر خدا راند بر خِصَم، تیغ: عمرو
- پرید از رخ کفر در هند رنگ: عالم کفر
- فرنگ (پرید از رخ کفر در هند رنگ / تپیدند بت خانه‌ها در فرنگ): کل سرزمین کفر و بت پرستی
- به چشمان من، کیمیا خاک توست: نظر

کنایه‌های موجود در درس چهاردهم:

مفهوم	کنایه	مفهوم	کنایه
استقامت	چون کوه پا بر زمین فشردن	انتظار - آماده برای انجام کاری	دلیران میدان <u>گشوده</u> <u>نظر</u> / که بر کینه اول که <u>بندد کمر</u>
ناکامی (= به مقصود نرسیدن)	چو نمود رخ شاهد آرزو	سریع حرکت کردن	برانگیخت ابرش <u>برافشاند گرد</u>
کشته شدن	که شد ساخته کارش از زهر چشم	استراحت	بیامد به دشت و <u>نَفَس</u> <u>کرد راست</u>
نیرومندی - کشتن - اصرار ورزیدن و همت به خرج دادن	<u>برافراخت پس دست</u> <u>خیبرگشا</u> / پی <u>سر بریدن</u> <u>بیفشرد پا</u>	پیامبر اکرم (ص)	حبیب خدای جهان‌آفرین
افسوس خوردن و اظهار عجز و ناتوانی	چو شیر خدا راند بر خصم تیغ / به <u>سر کوفت</u> <u>شیطان دو دست دریغ</u>	ترس و شرمندگی	همه <u>برده سر در گریبان</u> <u>فرو</u>
ترسیدن	رنگ پریدن از رخ	کشتن	ریختن خون ...
کشتن	<u>درآورد از پای</u> ، بی‌سر تنش	حرکت کرد	به‌سوی هُزبر ژیان <u>کرد</u> <u>رو</u>
تقدیر و تشکر و تأیید نمودن	<u>بزد بوسه</u> بر دست او جبرئیل	آغاز نبرد (راهی برای آشتی نگذاشتن)	در صلح بستند بر روی هم
نابود شدن	رود دژهای گر ز <u>خاکت به</u> <u>باد</u>	ترسیدن	رنگ باختن (فلک باخت از سهم آن جنگ، رنگ)
		خشم و عصبانیت	دندان به دندان خاییدن



درس پانزدهم: کبوتر طوق دار

◀ نکات قلمرو زبانی

نمونه‌های کاربرد حرف «را» به عنوان جایگزین کسره اضافه یا «فک اضافه» در درس پانزدهم:

- آن موش را زیرا نام بود. (نام آن موش)
- و ایشان را از آن روی بر من حقی واجب شده است (حق ایشان)

«را»ی حرف اضافه (از، به، با، برای، بر)، نقش‌نمای متمم موجود در درس پانزدهم:

- این مرد را کاری افتاد (برای)
- کبوتران اضطرابی می کردند و هر یک خود را می کوشید. (برای)
- یاران را گفت: این ستیزه روی در کار ما به جد است. (به)
- او را بگویم تا این بندها ببرد. (به)
- ... کبوتران را فرمود که فرود آید. (به)
- و هر یک را در دیگری راه گشاده (برای)
- مگر تو را به نفس خویش حاجت نمی باشد. (برای)
- ما را بر آنچه قسمت کرده است، قناعت داده شده است و خرسند گردانیده. (برای)

نقش دستوری ضمیر شخصی متصل موجود در درس پانزدهم:

- ولیک از دود او بر جانِش داغی
- و مطوَّقه و یارانش، مطلق و ایمن بازگشتند.
- به تنها و یارانم اندر کمند (همه نمونه‌ها در نقش دستوری مضاف‌الیه هستند).

صفت بیانی فاعلی موجود در درس پانزدهم:

درفشان (درخشان)، گرازان، خرامان

صفت بیانی مفعولی موجود در درس پانزدهم:

بسته، پسندیده، ستوده

رابطه معنایی واژه‌های موجود در درس پانزدهم:

- تضاد: بند و تخلص «= رهایی» - بلا و فراغ
- مترادف: نومید و خایب



◀ نکات قلمرو ادبی

متناقض نما (پارادوکس / تناقض) موجود در درس پانزدهم:

آورده‌اند که در ناحیت کشمیر، متصدی خوش و مرغزاری نزه بود که از عکس ریاحین او، پر زاغ چون دُم طاووس نمودی و در پیش جمال او، دم طاووس به پر زاغ مانستی: تشبیه این دو امر متضاد (پر زاغ = دم طاووس) نوعی تناقض است.

ایهام و تناسب موجود در درس پانزدهم:

- درفشان لاله در وی چون چراغی / ولیک از دود او بر جانُش داغی
لاله: (۱) گل لاله (۲) چراغ لاله که با چراغ و دود تناسب دارد.
داغ: (۱) ماتم (۲) سیاهی و نشان
- شقایق بر یکی پای ایستاده / چو بر شاخ زمرد، جام باده
شاخ: (۱) پایه از جنس زمرد (۲) نوعی جام شراب که از شاخ حیوانات درست می‌شد و در این معنی با باده تناسب دارد.
- گفتم که چو ناگه آمدی، عیب مگیر / چشمِ تر و نان خشک و روی تازه
روی تازه: (۱) گشاده و شاداب (۲) تازه پخته‌شده که با نان خشک تناسب دارد.

حسن تعلیل موجود در درس پانزدهم:

- درفشان لاله در وی چون چراغی / ولیک از دود او بر جانُش داغی
- دلیلی ادیبانه برای سیاهی وسط گل لاله، در حالی که سیاهی و داغی لاله به آه کشیدن نیست.

اضافه‌های تشبیهی موجود در درس پانزدهم:

- بند بلا
- زهاب دیدگان

استعاره (مکنیه) و تشخیص موجود در درس پانزدهم:

- جان لاله
- شقایق بر یکی پای ایستاده

استعاره‌های موجود در درس پانزدهم:

- داغ (درفشان لاله در وی، چون چراغی / ولیک از دود او بر جانُش داغی): سیاهی داخل گلبُرگ‌ها
- پای و شاخ زمرد (شقایق بر یکی پای ایستاده / چو بر شاخ زمرد، جام باده): ساقه گل
- زهاب دیدگان بگشاد و بر رخسار، جوی‌ها براند: اشک فراوان

مجازهای موجود در درس پانزدهم:

- نشسته بود و چپ و راست می‌نگریست: همه جهت
- تا از چشم او ناپیدا نشویم: نگاه، دید



- زهاب دیدگان بگشاد و بر رخسار، جوی ها براند: اشک
- ملول شوی و بعضی از ایشان در بند بمانند: اسارت
- مهمان چون نان بخورد: غذا

کنایه‌های موجود در درس پانزدهم:

مفهوم	کنایه	مفهوم	کنایه
گریست	زه آب (زهآب) دیدگان بگشاد	حرکت نکردن، درنگ کردن	جای نگه دارم
اسارت	به تنها و یارانم <u>اندر</u> <u>کمند</u>	ناامیدی	تا از چشم او ناپیدا نشویم، <u>دل</u> از <u>ما</u> نگیرد
شرمساری	چشم تر (گریان)	باتجربه	خیر و شر احوال (حوادث) مشاهدت کرده
		باتجربه و کارآزموده	گرم و سرد روزگار دیده



درس شانزدهم: قصه عینکم

◀ نکات قلمرو زبانی

نمونه‌های کاربرد حرف «را» به عنوان جایگزین کسره اضافه یا «فک اضافه» در درس شانزدهم:

تو را به آینه داران چه التفات بود (التفات تو)

«را»ی حرف اضافه (از، به، با، برای، بر)، نقش‌نمای متمم موجود در درس شانزدهم:

به دیدن تو چنان خیره‌ام که شناسم / تفاوت است اگر راه و چاه را حتی (برای)

صفت بیانی فاعلی موجود در درس شانزدهم:

گشوده، پیچان، جست‌وجوگر

صفت بیانی مفعولی موجود در درس شانزدهم:

افسارگسیخته، تیرخورده، نگفته، کوبیده، نگشوده، گرفتار، پیوسته

صفت بیانی نسبی موجود در درس شانزدهم:

عینکی، متجددانه، دهاتی، کازرونی، قوطی حلبی، بادامی، شیرازی، عامیانه، صادقانه، پیشینه، شاهنشاهی، جمهوری، سلطانی، سنگین، الهی، قطعی

نقش تبعی از نوع «بدل» موجود در درس شانزدهم:

- ما، بچه‌ها، خیلی او را دوست می‌داشتیم.
- طلبه جوان ما، حاج آقا روح‌الله موسوی، به خویش بود.

فعل مجهول موجود در درس شانزدهم:

در گشوده شد: ماضی ساده مجهول

نقش ضمیر شخصی متصل (مفعولی / متممی) موجود در درس شانزدهم:

- همیشه دراز بود. ننه - خدا حفظش کند - (او را - ش: مفعول)
- شمااتم (من را - م: مفعول) می‌کرد
- پدرم خدایش (او را - ش: مفعول) بیامرز
- دنیا برایم (برای: حرف اضافه - من: متمم) تغییر کرد
- نیمه‌کوری خود را برایشان (برای: حرف اضافه - شان: متمم) گفتم



◀ نکات قلمرو ادبی

متناقض نما (پارادوکس / تناقض) موجود در درس شانزدهم:

در تاریکی‌های حافظه‌ام روشن و پرفروغ می‌درخشد

• در لاتی کار شاهان را می‌کرد

• چیزی نیست که چیزی باشد

ایهام و ایهام تناسب موجود در درس شانزدهم:

• نوشته روی تخته را ... مثل بلبل می‌خواندم.

خواندن: (۱) خواندن نوشته روی ... (۲) آواز خواندن که با بلبل تناسب دارد.

• طلاب دیگر، چند چند با هم می‌رفتند و در این گروهی رفتن، گرمایی بود.

گرما: (۱) حرارت (۲) هیجان

اضافه‌های تشبیهی موجود در درس شانزدهم:

• دریادل (تشبیه درون‌واژه‌ای)

• سنگر مشروطیت

• سنگر ظلم

• بساط قلدری

• سنگر عدل

استعاره (مکنیه) و تشخیص موجود در درس شانزدهم:

• زنده بودن حادثه

• پرتاب شدن نگاه

• سلطه خاموشی

• رفعت ایمان

استعاره‌های موجود در درس شانزدهم:

• به‌به! مثل قوآل صورتک زدی؟ عینک (ماسک)

• اینجا حساب کنید، بسنجید، اندازه بگیرید، چرتکه بیندازید؛ چرا که با چرتکه‌اندازان

بدنهاد روبه‌رو هستید: سیاستمداران بدذات

• مدرّس مدت‌ها بود که با این ضربه‌ها آشنایی داشت: تهمت

• زمانی که ضمن بحث می‌فرمایید: این غول بی‌شاخ و دم، انسان به یاد لاغری شما

(مدرّس)...: رضاخان

• رسیدن به حداقل پختگی: تکامل

• تا برف‌های نکوبیده را بکوبد: موانع و مشکلات

• آتشی که نمیرد، همیشه در دل او بود: عشق، شور و اشتیاق

• روی سنگ، برای ساختن آرکی به رفعت ایمان: جامعه اسلامی (حکومت)

• یک تاریخ سرما: رنج و ستم حاکم بر جامعه



- و جوانی که با آتش درون، پیوسته در مخاطره سوختن بود: عشق و شوق و امید به پیروزی

مجازهای موجود در درس شانزدهم:

- سلطان درمانده قاجار: احمدشاه
- گویی دو ساعت پیش اتفاق افتاده: زمان کم
- می خواهید بروید آسمان، شورا بیاورید: رزق
- اتفاقاً شیرین زبان و نقال هم بود و ... عیناً عیب دیگران را پیش چشمشان می گفت: سخن - خود
- ناگهان دنیا برایم تغییر کرد، همه چیزش برایم عوض شد: نعمت های دنیا
- دوباره دنیای تیره در چشم آمد. ... فکر کردم اگر یک کلمه بگویم: نظر، نگاه - سخن، کلام
- که بی خود و بی جهت از ترک دیوار، هم خنده شان می گرفت: امور بی اهمیت
- رویش را برگرداند که کلاس را ببیند: شاگردان کلاس
- کلاس آرام بود: شاگردان کلاس
- کلاس هم غرق خنده بود: شاگردان کلاس
- حالا، کلاس سخت در خنده فرو رفته: شاگردان کلاس
- آقای ناظم و آقای معلم عربی کمیسیون کردند: زبان یا درس عربی - جلسه
- آقای معلم عربی با همان لهجه گفت: زبان عربی
- ذهن من این مسئله را نگشوده است؟ به قلب پدر شلیک کردند یا به مغزش؟: دل، احساس - فکر و اندیشه
- اما دلش می خواست حرف هایش را بزند: سخن
- حکومت های قداره کش: زورگو
- شما حرفی دارید فرزندانم؟: سخن
- که پدید آمدنش در ید اختیار آن نظامی نبوده: قدرت
- چندان که باید در چننه ندارد: دست و اختیار
- آتشی که نمیرد، همیشه در دل او بود: کل وجود

کنایه های موجود در درس شانزدهم:

مفهوم	کنایه	مفهوم	کنایه
تشکیل جلسه دادند	کمیسیون کردند	بی شک	گفتم هست و نیست، عینک یک چیز متجددانه است
گفت و گو	بعد از چانه زدن بسیار	خاطرات فراموش شده	تاریکی حافظه
تأثیر زیاد سخنان	گفته ام در سنگ اثر می کرد	خوب به یاد آوردن جرئیات	باقی ماندن در خانه اول



دو برادری مثل عَلَم یزید می مانید	قد بلند	برف کوبیده را بیش می کوبید	قدم محکم برداشتن روی ... = راه خود را هموار می کرد (=) مبارزه علیه استبداد که از پیش شروع شده بود.)
افسارگسیخته	غیرقابل تحمل، بی نظم	به خویش بود	تنها بودن، غرق در افکار خود بودن (= معادلِ امروزیِ «توی خودش بود.»)
هردم بیل	بی نظم	در این گروهی رفتن گرمایی بود	شور و هیجان، صمیمیت، دوستی، محبت
هپل وهپو	بی نظم	دلش نمی خواست منبر برود	سخنرانی کردن
چاه جلوی پایت بود	وجود مشکل و مانع ناگهانی و دور از انتظار	سلام کرد، قدری خمید	احترام گذاشت
بور شدن	شرمنده شدن، خجالت زده	نگاه این یکی در چلّه کمان بنشانند	نفوذ نگاه «حاج آقا روح الله»
به رگ غیرتم برخورد	ناراحت شدن، آزرده گی، عصبانی شدن	پاسخ در آستین داشتن	حاضر جواب بودن
دریادل بودن	بخشنده گی و جوانمردی	کوبیدن و له کردن	نابودی
در لاتی کار شاهان را می کرد	بخشش در عین تهیدستی	پرچمدار بودن	رهبری
سربه سر گذاشتن	اذیت کردن، مسخره بازی، شوخی کردن	در چننه ندارد	چیزی در اختیار نداشتن، بی مایه و بی سواد
دهن کجی	خلاف میل کسی رفتار کردن (مسخره کردن)	عطر و بوی حکومت مولا علی (ع) را داشت	تحت تأثیر بودن
مثل آن بود که دنیا را به من داده اند	شدت شادابی و سرحالی	از چاله به چاه انداختن	مضاعف کردن مشکل
چپ چپ نگاه کردن	با ناراحتی یا با شک و تردید نگاه کردن	باز برف های نکوبیده را بکوبد	با سیاست های غلط حکومت که هیچ اقدامی ضد آن صورت نگرفته است، مبارزه کند.
کاسه ای زیر نیم کاسه	حیله ای، توطئه ای (نقشه خراب کاری)	... باز گیر افتاده بود	در تنگنا قرار گرفتن، دچار شک و تردید
قوز بالا قوز	مشکل و گرفتاری بیش از حد (= اضافه شدن مصیبتی بر مصیبت های قبلی)	به هیچ قیمت نشکنید	(در برابر حاکمان) از مواضع خود دست برندارید (=) تسلیم نشوید)
پدرمرده مصیبت دیده	شخص بسیار اندوهناک و غمگین	شکسته و خمیر شده باشید	تسلیم خدا و ناچیز شمردن در مقابل او، متواضع
چشم دوخت	زل زد، خیره شدن	در پرده بمانید	سیاست کاری و مخفیانه عمل کردن = پنهان کردن راز درونی



در ظن خود تقویت یافت	مطمئن شد، یقین یافت	پرده را بردارید	اخلاص و صداقت داشتن (= متواضع باشید = تسلیم محض = آشکار کردن اسرار = راز دل را با خدا گفتن)
یقین شد که من <u>بازی جدیدی</u> <u>درآوردم</u>	حیله	طرح دوستی بریزید	دوست شدن
دست انداختن کسی	مسخره کردن	گفت می بینم که <u>درجا</u> <u>می جنبید</u>	ترک نکردن مکان، تکان خوردن در جای خود
صورتک زدن	مخفی نمودن صورت واقعی خود	سنگ روی سنگ، برای ساختن آرکی به رفعت ایمان	اتحاد و همدلی
زلزله آمدن (در کلاس درس)	بلند شدن صدای بچه ها	نگین کرده بودند او را	احاطه (= دور کسی جمع شدن)
غرق خنده بود	شدت خندیدن	در مخاطره سوختن بودن	شهادت



درس هفدهم: خاموشی دریا

◀ نکات قلمرو زبانی

«رای حرف اضافه (از، به، با، برای، بر)، نقش‌نمای متمم موجود در درس هفدهم: شما را اگر توان نباشد که کار خود به عشق درآمیزید (برای) ...

صفت بیانی فاعلی موجود در درس هفدهم:

نگران

صفت بیانی مفعولی موجود در درس هفدهم:

آفریده

صفت بیانی نسبی موجود در درس هفدهم:

- صبورانه
- اصلی
- استعاری

رابطه معنایی واژه‌های موجود در درس هفدهم:

تضمّن یا شمول: صدف و دریا - بهار و فصل - بهار و ماه

نقش دستوری «ضمیر شخصی متصل» موجود در درس هفدهم:

- از شعله / به‌خاطر روشنایی‌اش / سپاسگزاری کن (مضاف‌الیه)
- ممکن از ناممکن می‌پرسد: / خانه‌ات کجاست؟ (مضاف‌الیه)

◀ نکات قلمرو ادبی

اضافه‌های تشبیهی موجود در درس هفدهم:

بار وظیفه

اضافه استعاری (استعاره و تشخیص) موجود در درس هفدهم:

- صبورانه در سایه ایستادن چراغدان
- خاموش بودن ماهی
- آواز خواندن پرند
- هیاهوی چارپا
- پرسیدن ممکن از ناممکن
- باریدن تاج
- کور بودن شوق



استعاره‌های موجود در درس هفدهم:

- گریه کنی اگر / که آفتاب را ندیده‌ای / ستاره‌ها را هم نمی‌بینی: چیز باارزش - حقایق جزئی (= آفریده‌ها، نعمت‌های کوچک)

مجازهای موجود در درس هفدهم:

هیا هو ی خاک و موسیقی آسمان را در خود دارد: موجودات زمینی

کنایه‌های موجود در درس هفدهم:

مفهوم	کنایه	مفهوم	کنایه
رها کردن آن، ترک کردن	دست از کار بشوید	ناآگاهی و بدون بصیرت	و شوق همیشه کور است



درس هجدهم: فوان عدل

◀ نکات قلمرو زبانی

صفت بیانی فاعلی موجود در درس هجدهم و نیایش:

نگران

🚀 نکته طلایی

کردار، رفتار، کشتار، گفتار، نوشتار، دیدار، ساختار، شنیدار، جستار (= مقاله): اسم هستند، نه صفت

صفت بیانی مفعولی موجود در درس هجدهم و نیایش:

گسترده / تنیده / کنده / نهاده / دریافته / رانده / نفهمیده / نهفته

صفت بیانی نسبی موجود در درس هجدهم و نیایش:

عادی / دریایی / نهایی / دنیای بعدی / واقعی

🚀 نکته طلایی

صبحانه، کارانه، یارانه، بیعانه، شکرانه، شاگردانه = نام پول‌هایی که به مناسبت‌های گوناگون داده یا گرفته می‌شود) - آلودگی، مردانگی، پیوستگی: اسم‌اند نه صفت.

نقش تبعی «بدل» موجود در درس هجدهم و نیایش:

- زیرا ما می‌فهمیم که توانایی ما، مرغان دریایی، بیش از آن است.
- پس از سه ماه، آذرباد شش شاگرد پیدا کرده بود، آن‌ها همه از جامعهٔ مرغان رانده شده بودند.
- و با کنجکاوی آذرخش، یکی از شاگردان آذرباد را می‌نگریستند.
- شاگردان همه می‌گویند که تو حتی از...

نقش ضمائر شخصی متصل موجود در درس هجدهم و نیایش:

- باشد که از میان آسمای صدگانه‌اش / او را به همین نام بستاییم (مضاف‌الیه)
- اگر فکر و حواسم این جهانی است. (مضاف‌الیه)
- هر نفسی را دو نعمت است: دم فرو دادن و برآمدنش. (مضاف‌الیه)
- و بر فراز سرم هیچ، جز اختران نبینم. (مضاف‌الیه)
- تا به برّ و بحر نشانمان باشند. (مضاف‌الیه)
- مادرش پرسید... (مضاف‌الیه)
- چرا برایت سخت است که... (برای: حرف اضافه - ت: متمم)



- پسر م چرا غذا نمی خوری؟ (مضاف‌الیه)
- ببین پسر م [...] آذرباد سرش را به علامت رضا تکان داد. (مضاف‌الیه)
- بال چپش چند ثانیه از حرکت باز می ایستاد... بال هایش در هم می پیچید. (مضاف‌الیه)
- زاویه پروازش را عوض کرد. (مضاف‌الیه)
- که تکامل مغزت از این بیشتر می بود. (مضاف‌الیه)
- پدرت حق داشت... (مضاف‌الیه)
- همین طور که باد محکم به صورتش می خورد. (مضاف‌الیه)
- خودش به تنهایی انجام می داد. (مضاف‌الیه)
- آذرباد را در آسمان آرام و راحتش یافتند. (مضاف‌الیه)
- سرعت دویست و هفتاد و سه برایش سرعت نهایی بود. (برای: حرف اضافه - ش: متمم)
- یک روز صبح، وقتی با آموزگارش، بزرگ امید، [...] اندیشه‌ای در خاطرش گذشت. (مضاف‌الیه)

- آذرباد بیشتر به فکر زندگی‌اش در کره زمین می افتاد. (مضاف‌الیه)
- دیگر برایشان مهم نبود. (برای: حرف اضافه - شان: متمم)
- الهی ز عصیان، مرا پاک کن / در اعمال شایسته، چالاک کن (م در مرا: مفعول)

◀ نکات قلمرو ادبی

حسن تعلیل‌های موجود در درس هجدهم و نیايش:

- او اختران را در آسمان نهاده
- تا به برّ و بحر نشانمان باشند
- تا نگه به فرازها دوزیم
- تا از این ره، لذت اندوزیم.

متناقض‌نما (پارادوکس / تناقض) موجود در درس هجدهم و نیايش:

مانند دیوار محکمی، باد را می شکافت و به پیش می رفت (دیوار نماد ایستایی و نسبت دادن حرکت و شتاب به آن)

اضافه‌های تشبیهی موجود در درس هجدهم و نیايش:

- خوان عدل
- مرغ حقیقت

اضافه‌های استعاری (استعاره و تشخیص / استعاره و غیرتشخیص) موجود در

درس هجدهم و نیايش:

- طبیعت، در سر راه تو مشکلاتی نهاده است.
- بریدن سخن
- پرواز جسم
- پرواز روح و اندیشه



• آموزگار بودن طبیعت

استعاره‌های موجود در درس هجدهم و نیایش:

- روح را خاک، نتواند مبدل به غبارش سازد، / زیرا هر دم به تلاش است تا که فرا رود: موجود بی‌ارزش
- اگر زنجیرهایی که بر روی افکار شماس، بشکند، زنجیرهای جسم شما نیز از هم می‌گسلد: موانع رسیدن به کمال (= محدودیت و ناتوانی)
- لشکر دیو - دیو (نشاطی بده در عبادت مرا / دل لشکر دیو، غمناک کن): خواهش نفسانی - شیطان

مجازهای موجود در درس هجدهم و نیایش:

- شرق، غرب، شمال و جنوب - دستان (شرق از آن خداست / غرب از آن خداست / و سرزمین‌های شمال و جنوب نیز / آسوده در دستان خداست): همه‌جا - قدرت
- اگر فکر و حواسم این جهانی است / بهره‌ای والاتر از بهر من نیست / روح را خاک، نتواند مبدل سازد، / زیرا هر دم به تلاش است تا که فرا رود: وجود انسان - مادیات - لحظه
- بگذار بر پشت زین خود معتبر بمانم: سیر و سفر بیرونی
- بگذار که سرخوش و سرمست به دوردست‌ها روم / و بر فراز سرم هیچ، جز اختران نبینم: آسمان
- او اختران را در آسمان نهاده / تا به بر و بحر نشانمان باشند: همه‌جا (کل عالم)
- اگر هیچ نیاموزیم، دنیای بعدی نیز، تاریک و پر از محدودیت‌ها خواهد بود: خالی از امید
- که او تنها جسمی مرگب از استخوان و پر نیست: کل وجود
- در پرواز، هدفی بالاتر از پریدن به این سو و آن سو وجود دارد: همه‌جهت
- به عصیان سراپای آلوده‌ام: کل وجود

کنایه‌های موجود در درس هجدهم و نیایش:

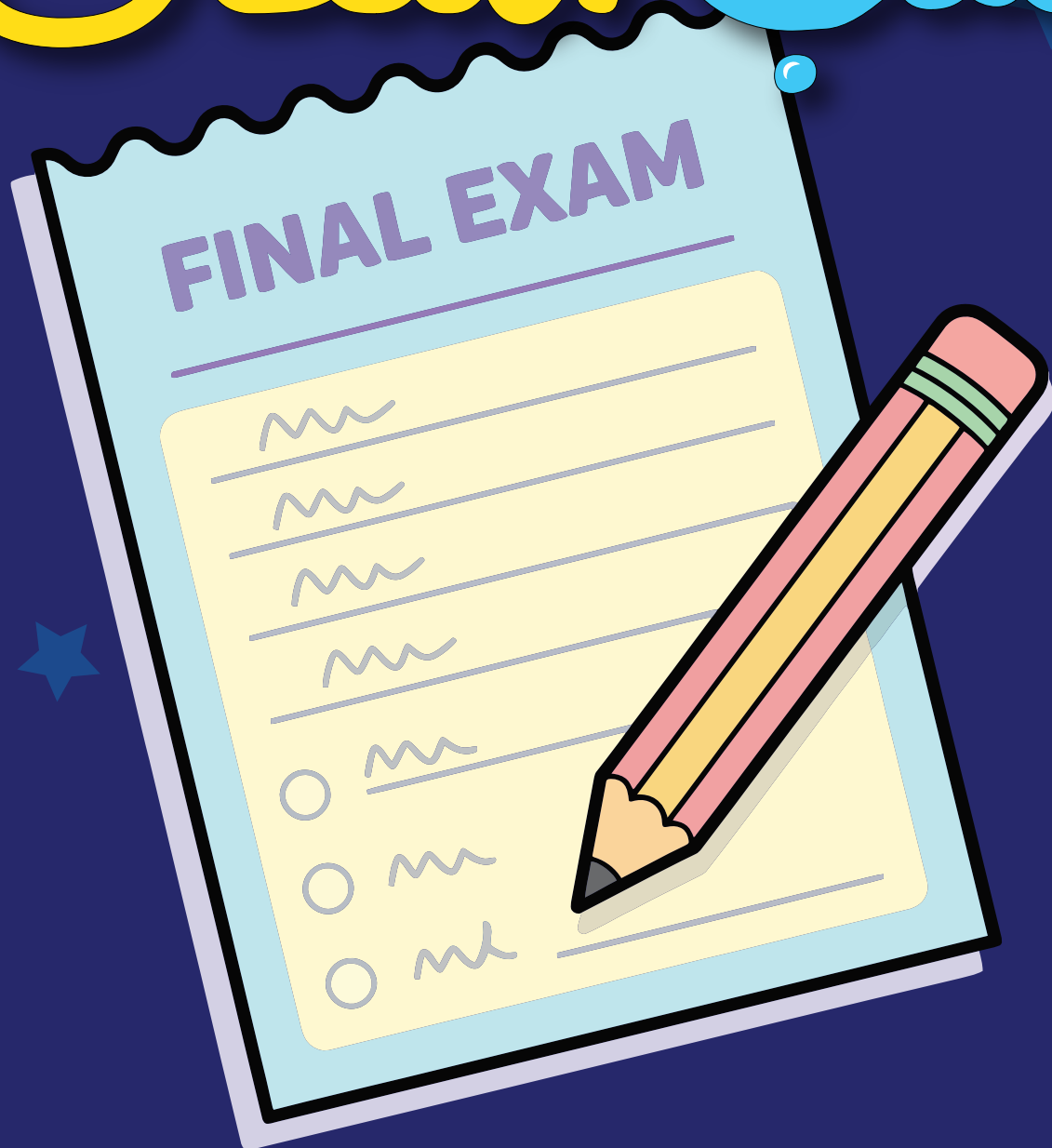
مفهوم	کنایه	مفهوم	کنایه
خشن	صدای خشک	تحت فرمان الهی بودن	در دستان خدا بودن
سخن گفتن	خاموش نماندن	بخشش عام	خوان گستردن
پی بردن به واقعیت‌ها	چشمان خود را باز کنند	نابود کردن	مبدل به غبار ساختن
هم‌فکری	انتقال دادن افکار	در حرکت و سفر	بر پشت زین خود معتبر ماندن
تحول و تکامل فکری	از یک دنیا به دنیای دیگر رفتن	پایداری در راه رسیدن به خواسته‌ها	مرغ عادی نبود که از تمرین سر بخورد
مشغول دنیا بودن	معنایی بالاتر از دنبال ماهی و تگه نان رفتن	لاغر شدن	یک پارچه پوست و استخوان شدی



فراموش کردن و نادیده گرفتن	محدودیت را پشت سر بگذارد	برطرف نکردن نیازها	برای تو نان و آب نمی‌شود
لاأبالی (= بی‌قید و بند)	نه چون بی‌غمانم هوسناک کن	سرعت زیاد	در هم پیچیدن بال‌ها
عبادت	سجده (سجود) آوردن	آگاه شدن	به خود آمدن
مورد قبول واقع شدن اعمال توسط خدا	به حشرم بده نامه در دست راست	شادی بسیار	غرق در شادی شدن



تشریحی نویسی شب امتحان



فارسی یازدهم مشترک



تشریحی نویسی

دانش‌آموزان بیشترین ضربه را از قسمت **معنی نظم و نثر** می‌خورند؛ زیرا در این قسمت هر کس از نگاه خودش معنی روان را ارائه می‌دهد و دانش‌آموزان در این قسمت در بیشتر موارد زیاده‌گویی یا کم‌گویی می‌کنند. در صورتی که باید خلاصه و مفید مفهوم سؤال را برسانند و وقتی که مثلاً یک بیت در این قسمت ۷۵٪ نمره دارد دانش‌آموز باید آن بیت را جوری معنا کند که در آن معنی روان سه کلمه سخت معنی شده باشد، چون **هر کلمه ۲۵٪** نمره داشته است. یا وقتی یک مصراع بارم ۵٪ نمره‌ای دارد به این معناست که آن مصراع دو کلمه سخت دارد که در معنی آن دو کلمه سخت معنا شده باشد.

بخش واژه‌نامه پایان کتاب به معنی واژه‌ها می‌پردازد. از آنجایی که اطلاعات دیگری هم علاوه بر معنی در آن می‌توان برداشت کرد، می‌تواند منبع خوبی برای طرح سؤال‌های مختلف باشد. از جمله: املای درست کلمات، هم آوا، مفرد و جمع و هم خانواده.

به همین دلیل توصیه می‌شود زمان مناسبی برای خواندن بخش واژه‌نامه در نظر گرفته شود و معنی هر کلمه به‌طور کامل و با تمام توضیحات آن خوانده شود. کلماتی که معنای یکسان دارند هم دسته‌بندی شوند که در این مهر و موم‌های اخیر شیوه‌ای نو برای طرح سؤال بوده است. همچنین کلمات و افعالی که چند معنی مختلف و چند کاربرد متفاوت دارند جدا در نظر گرفته شوند.

نمونه: اندیشه - همت و ..

در قلمرو فکری دانش‌آموزان باید به مفهوم سؤال دقت کرده و بدانند که فهمیدن درست سؤال مخصوصاً در این قسمت، نصف جواب است و در جایی که از شما مفهوم سؤالی را می‌خواهند باید در حد چند کلمه خلاصه و مفید مفهوم بیتی که خواسته شده است را بنویسید و مثلاً اگر خواسته شد که مفهوم بیت زیر را بنویسید، نباید تک‌تک کلمات را معنی کنید؛ زیرا مصحح به دنبال معنی‌نویسی ما نیست؛ بلکه به دنبال **نوشتن کلمات کلیدی** برای جواب سؤال است. گاهی تمرکز بیشتر بر روی مصرع دوم در رسیدن به مفهوم بهتر می‌تواند به ما کمک کند.

در بخش‌های روان‌خوانی و شعرخوانی و گنج حکمت، کلیت و نمای کلی متن در نظر گرفته شود؛ یعنی دانش‌آموز با خواندن کل متن حتی در حد چشم‌خوانی نیاز است از فضای متن و نمای کلی آن اطلاع داشته باشد.

نمونه ابیات ذکر شده در قرابت معنایی **بخش قلمرو فکری** کارگاه درس به دقت موردتوجه قرار گیرد.

در قسمت قلمرو فکری زیاد به دنبال معنای ظاهری بیت نباشید؛ بلکه باید از ظاهر کلمات عبور کرده و پی به عمق معنای آن بیت ببریم.

در قسمت قلمرو ادبی دانش‌آموز باید زمانی که از او آرایه‌ای خواسته می‌شود، فقط نام همان آرایه به کار رفته را بنویسد و اگر از او خواسته شده بود که آن آرایه را توضیح دهند باید بیشتر گسترش دهد. در غیر این صورت نیاز به انجام چنین کاری نیست.

در داستان‌ها به زاویه دید - شخصیت - فضا سازی و نقطه اوج داستان توجه شود.

در قسمت دستور باید حواسمان به صورت سؤال‌های شبیه به هم باشد، مثلاً وقتی حذف به قرینه معنایی را می‌خواهند همان قرینه معنوی است.

در قسمت قلمرو زبانی در مبحث وابسته و وابسته نمودار باید به صورت دقیق و ریز ترسیم شود و هرکدام باید به قسمت مربوطه وصل شود.

در قسمت تشخیص مفعول حواستان باشد زمانی که نقش مفعول را می‌خواهند، اشتباهی مضاف‌الیه کنار مفعول را به عنوان مفعول در نظر نگیرید. به مفعول‌هایی که به شکل جمله بعد از برخی افعال مفعول پذیر مثل: گفت - تعریف کرد - شنید و ... توجه داشته باشید.



به ترکیب‌های اضافی که با «را» ی فک ساخته می‌شوند توجه کنید.
مثل: کان سوخته را جان = جان آن سوخته

برای املا مواردی که در کارگاه درس، شعرخوانی، روان‌خوانی، گنج حکمت‌ها، ستایش و نیایش آمده توجه شود؛ چون دانش‌آموز در این بخش‌ها کمتر به املا توجه دارد، از قسمت‌هایی است که می‌تواند نظر طراح رو به خودش جلب کند.

در قسمت تاریخ ادبیات باید به مترجم یا مؤلف یک اثر دقت شود.

به نوع ادبی هر درس و عنوان درس‌ها هم توجه شود. آثار مشترک یک شاعر یا نویسنده در چند درس هم موردتوجه قرار گیرد.

در قسمت املا و معنی لغت باید به کلمات هم آوا و مشابهت‌های املائی دقت شود و همچنین در قسمت معنی لغت باید به تمامی معانی یک کلمه اشراف داشته باشیم.

جدول بارم‌بندی فارسی یازدهم

عنوان فصل	موضوع‌ها	بارم‌بندی
قلمرو زبانی (۷ نمره)	معنی واژه	۱ نمره
	املائی واژه	۲ نمره
	دستور	۴ نمره
قلمرو ادبی (۵ نمره)	آرایه‌های ادبی	۳ نمره
	تاریخ ادبیات	۱ نمره
	حفظ شعر	۱ نمره
قلمرو فکری (۸ نمره)	درک مطلب	۴ نمره
	مفهوم و معنی نظم و نثر	۴ نمره

با آرزوی موفقیت
گروه زبان و ادبیات فارسی ماز